

# هفته نامه راه کارگر

نشریه سیاسی - خبری کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران ( راه کارگر )

سردبیر: آرش کمانگر شماره 249 یکشنبه 18 اردیبهشت 1384 8 مه 2005

## برآمد اول ماه مه در ایران

تقی روزبه [t.roozbe@freenet.de](mailto:t.roozbe@freenet.de)

نحوه برگزاری مراسم ماه مه در ایران همواره فرصت مناسبی را برای مدافعان جنبش کارگری فراهم می سازد که به روندها و تحولاتی که در این جنبش می گذرد، آشنا تر شده و بر همین پایه بردارنده فهم خود از آن بیافزایند.

در این جا نگاهی داریم به مهم ترین مختصاتی که برگزاری مراسم امسال را از مراسم مشابه سال های گذشته به مثابه برآمدی برجینش کارگری متمایز ساخته است.

در نخستین نگاه می توان برگزاری بزرگداشت های ماه مه را به دودسته مراسم دولتی و مراسم مستقل دسته بندی کرد که در مجموعه خود قادرند تصویر کامل تری از سیمای جنبش کارگری و پتانسیل هفته در آن به نمایش بگذارند.

بقیه در صفحه 2

## گزارشاتی از برگزاری روز جهانی کارگر



مبارزه کارگران چینی برای تشکیل سندیکا

ترجمه: احمد مزارعی ص 12

اطلاعیه پایانی " کمیته ایرانی همبستگی

اول ماه مه - 2005 " ص 19

پاسخ شهاب برهان به پرسشهای مجله آرش

پیرامون "نامه سرگشاده به مردم امریکا"

، " مخالفت با حمله نظامی به ایران " و

" بیانیه 565 نفره " ! ص 16

سه دیدگاه پیرامون :

" کمیته هماهنگی ایجاد

تشکلهای کارگری "

- 1- امیر پیام ( کانادا )
- 2- بهمن شفیق ( آلمان )
- 3- یدالله خسروشاهی ( انگلیس )

در صفحات 10 و 11

## گفتگوی کوتاه خسرو شمیرانی با محمد رضا شالگونی ، پیرامون وقایع خوزستان

آقای محمدرضا شالگونی در بخشی از مصاحبه خود میگوید :  
اینکه نامه ای و بخشنامه ای نوشته شده یا نه و جعلی است یا حقیقی، نقش مهمی بازی نمیکند. واقعیت این است که در خوزستان سیاستهایی جاری شده است که به بیکاری وسیع، اعتیاد گسترده و فقر و تباهی در میان اقشار زیرین اجتماع انجامیده است. خوزستان بیشترین صدمه را در جنگ خورد، اما هنوز با گذشت 15 سال بازسازی نشده است. دیگر اینکه عربهای ایران همواره مورد تبعیض شدید واقع شده اند. ایدئولوژی رسمی حکومت پهلوی و حکومت کنونی، غیر ایرانی شمردن و انکار این بخش از جامعه ایران بوده است. اینها و بسیاری تبعیضات دیگر از این قبیل دلیل اصلی رخدادهای اخیر بودند.

بقیه در صفحه 15

نیم نگاهی به تحرکات ، شعارها  
و فعالیتهای اول ماه مه سال ۱۳۸۴  
درس های اول ماه مه امسال ،  
قدرت کارگران در تشکل آنهاست!

امیرجواهری ننگرودی

7 مه 2005 [amirjavaheri@yahoo.com](mailto:amirjavaheri@yahoo.com)

در صفحه 20

## برآمد اول ماه مه ...

### 1 - مراسم دولتی

مراسم دولتی امسال را-علازم آن که دولت جمهوری اسلامی برگزاری آن را درمحوطه داخل شهرتهران باهدف پیش گیری ازاعتراض های محتمل کارگری و بارتاب گسترده آن ممنوع ساخته بودوهمین دلیل هم این راه پیمانی درحومه شهرتهران وسوی ورزش گاه آزادی صورت گرفت- می توان یک افتضاح و رسوائی بزرگ برای کل رژیم بطوراعم و برای خانه کارگو شخص رفسنجانی بطوراخص به شمار آورد. در برنامه ریزی خانه کارگرملا بزرگداشت اول ماه مه و طرح مطالبات کارگری تحت الشعاع برگزاری یک میتینگ انتخاباتی پرشکوه برای رفسنجانی و تبدیل آن به کنگره ای برای تشکیلات مزبورقرارگرفته بود. کاربردستان خانه کارگرتمامی تمهیدات لازم را برای فریب کارگران وتحمیل برنامه خود بکارگرفته بودند.آن ها- که ازحالا لب و لوجه اشان برای برای حضور درکابینه واشغال منصب های پر آب و نان، آویزان شده است-با بکارگیری طرفندهائی نظیرآرایش صحنه با شعارهای کارگری،باجرا دراوردن برنامه های رزمی-نمایشی،دادن برخی شعارهای انحرافی وباصطلاح کارگرسند به همراه شعارهائی دردفاع ازحاکمیت،عدم اعلام قبلی حضور رفسنجانی درحالی که حضوروی را تدارک دیده بودند،گنجاندن دفاع ازکاندیداتوری وی درقطنامه ای که آن هم ازقبل تهیه شده بود،براین گمان بودند که کارگران را دربرابر عمل انجام شده قرارخواهند داد.اما کارگران باهوشیاری کامل برنامه آن ها را با شکست کامل مواجه ساخته و با یورش به سوی تریبون واداره کننده گان مراسم،وبا طرح شعارهای کوبنده ای چون تحریم انتخابات وعلیه دولت و مجلس حامی سرمایه دارو، سپس با خروج متحدانه و تخلیه تقریباً کامل سالن گردهمائی و آفریدن صحنه ای بکر و بیاد ماندنی از یک اقدام درخشان، براسستی کارگردانان "خانه کارگر" را انگشت به دهان متحیرومیکوب کردند. بااحتمال زیاد کارگران ازقبل به امکان حقه بازی خانه کارگر اندیشیده بودند وگرنه مشکل بتوان فی البدهای این گونه کوبنده و متحد عمل کردوبرنامه های تدارک یافته یک تشکیلات وابسته به رژیم را با چنین سهولتی برهم زد. دراین جا ما با گوشه ای از آن ضمیرخود آگاه،نیمه پنهان و البته دیرآشنائی مواجهیم که وقتی-دربرنگاهی- به غلیان درمی آید همه را غافلگیرمی سازد! کارگران درهمین رابطه تمرین راه پیمانی سال گذشته را داشتند که باشنیدن شعارهای انحرافی بلندگوی گردانندگان خانه کارگر ازهمراهی با شعارهای نامطلوب وغیرکارگری آنان سرپا زده و به دادن شعارهای مستقل خود همت گماشتند:یک تظاهرات دو شعاری بایک بسترو دورویال متضاد. این چنین است که پاهای "خانه کارگر" بروی ماسه های سخت لغزان و بس داغی قرار گرفته است!

بهرحال، پی آمدحرکت شکوهمند و بیادماندنی کارگران، با پژواکی به وسعت ملی و بین المللی را می توان در دو مؤلفه زیرخلاصه کرد: الف-برآمد فوق نشان می دهد که کفگیر تشکیلات کارگری وابسته به رژیم، به ته دیگ خورد ه و این تشکیلات بالکل نفوذو پایگاه حمایتی خود درمیان کارگران را ازدست داده است. بطوری که امروزه حتی آن دسته ازکارگرانی که هنوزهم درپی استفاده ازپوشش خانه کارگری برای پیگیری اهداف خود هستند، به هیچ وجه حاضرنیستند که به "خانه کارگر" باج داده و مورد سوء استفاده آن قرارگیرند.ایستادگی کامل کارگران تا سرحد بهم ریختن تمامی برنامه های ازقبل تنظیم شده این جریان مدلل کننده گزاره فوق است. بی تردید ورشکسته شدن کامل این تشکیلات دولتی به معنای درهم شکسته شدن یکی ازموانع مهم و بازاریارنده دربرابر شکل گیری تشکل های مستقل کارگری محسوب می شود وخوا ناشی ازآن نیزبه معنای فراهم آمدن فرصت مهمی برای شکل گیری شتابان تر تشکل های مستقل بشمارمی رود.آن چه که سال ها قبل برسرتشکیلات دانشجویی وابسته به رژیم،تحکیم وحدت،درمحیط های دانشجویی آمد-از طریق استخاله این تشکل ها و دورشدن آن ها از رژیم- درمورد تشکیلات کارگری رژیم به طریق دیگری رخ داده است:ازطریق انزواي مطلق آن درمیان کارگران. که

البته بدلیل همین ویژگی خود،برخلاف تشکل دانشجویی مزبور، می تواند درجهت رادیکالیزه شدن هرچه بیشتر جنبش کارگری و شکل گیری تشکل های واقعا مستقل عمل کند.اگر بپذیریم که برنوک سرنیزه می توان چندصباحی نشست، اما با آن نمی توان حکومت کرد، می توان پذیرفت که ازفروپاشی کامل پایه گان توده ای یک تشکیلات وابسته کارگری تا شکل گیری تشکل های مستقل سراسری نباید راهی طولانی درپیش باشد.



رژیم وخانه کارگر تلاش های مذبحخانه و متعددی را برای پوشاندن ابعاد واقعی رسوائی بوجود آمده و توجیه آن چه اتفاق افتاد بکارگرفته و خواهند گرفت. نظیرآن چه که درمورد عوامل نفوذی و تحریک کارگران توسط آن ها عنوان می کنند. آن ها هم چنین با مشاهده رویکرد کارگران ویی بردن به درجه انزواي خود، بناچار بیش ازپیش برنقش پلیسی خود افزوده و با کنارگذاشتن رفتاردوبهلوو برخی شعارهائی که بدان تظاهرمی کردند و با صراحت دادن به حمایت قاطع خود ازنظامی که نماینده آن بودند، بیش ازپیش دربرابرمطالبات کارگران قد برخوانند افراشت. چنان که اقدام به غیرقانونی اعلام کردن سندیکای مستقل شرکت واحد،جستجو برای شناسائی باصطلاح عوامل نفوذی، ضرورت ایجاد هم آهنگی بیشتر با سایر دستگاه های دولتی برای برقراری نظم جلسات و میتینگ های نمایشی و... این روزها ازبان سخن گوینان به خشم آمده این جریان شنیده می شود. با این وجود هیچ تلاش مذبحخانه ای نمی تواند معنای آن چه را که در روز اول ماه مه اتفاق افتاد محو سازد: نه فقط معلوم شد که دیگررژیم انحصارتشکل درجامعه کارگری را ازدست داده، بلکه مهم تراز آن معلوم شد که تشکیلات کارگری آن کاملاً پوسیده وتبدیل به شیرینی پال ودم و اشکمی شده است که فاقد حتی پایگاه حداقل هم نیست. بدیهی است که مترسک تاوقتی کارائی دارد که دیگران پی به مترسک بودنش نبرده باشند. بی گمان وضعیت بوجود آمده درپی برآمد 11 اردیبهشت، شرایط نوینی را برای فعالین و کوشندگان

جنبش کارگری و قاطبه کارگران فراهم ساخته است که آن ها راه پیشروی خود را بر پایه آن تنظیم خواهند کرد.

ب-بهم زدن میتینگ انتخاباتی رفسنجانی بعنوان یکی ازدوشخصیت عمده جمهوری اسلامی، وسردادن شعار تحریم انتخابات نشان دهنده آنست که کارگران نه فقط نسبت به سیاست بی اعتناء نیستند بلکه دربرابر کلیت نظام حاکم قراردشته و بعنوان کارگر- شهروند، ازمخالفین فعال نظام حاکم بشمار می روند.

درواقع رفسنجانی ازترس سیلی مردم، علاوه بر حضور درصحنه ، ورودخود به صحنه انتخاباتی را بسیارمخاط آمیز، خزنده و گام بگام طراحی کرده است، تا هم به خیال خود باقراردادن مردم دربرابرباصطلاح گزینه بین بدویدتر بین خودو جناح هارترازخود، ازحساسیت مردم نسبت به حضورخود بکاهد و هم با تست افکارعمومی و واکنش مردم تمصیم نهائی و قطعی خود برای حضور درصحنه انتخابات را اعلام دارد. با وجود چنین نگرانی محسوس و حضوراحتیاط آمیزش، اما نه او ونه شاید هرکس دیگری هرگز تصورنمی کرد که نخستین سیلی ازسوی کارگران نواخته شود.او به سابقه قبلی، روزنامه

## برآمد اول ماه مه ...

همبستگی و عنصر سازمان یافتگی در میان کارگران محسوب می شود.

بی تردید تأکید یک پارچه به تشکل مستقل کارگری و تأکید بر همبستگی صفوف گسترده مزدحقوق بگیران هم چون کارگران، معلمان و پرستاران و... و تأکید بر مطالبات اخص بخش های گوناگون طبقه کارگر نظیر حقوق بیکاران، رواج گسترده اشتغال موقت (که کارگران آن را بدرستی رواج بردگی نامیده اند)، شمول قانون کار و بیمه های اجتماعی، حقوق کودکان و حقوق زنان کارگرو... یا تأکید بر همبستگی بین دانشجویان و کارگران (شعار معلم، کارگر، دانشجو، اتحاد اتحاد) از شاخص های مهم جنبش ماه مه امسال را تشکیل می دهد که بعنوان شالوده و خشت اول نوید دهنده قرار گرفتن همبستگی طبقاتی در دسترطبیعی و درست خود است. نگاهی به مجموعه مطالبات مطرح شده و سخن رانی های انجام شده، شعارهای خودجوش و قطعنامه های صادر شده دو نکته مهم را بخوبی نشان می دهد: نخست آن که این جنبش دارای پتانسیل و گرایش نیرومند ضد خصوصی سازی، ضد نئولیبرالی، ضد سرمایه داری است و باین اعتبار بستر عینی و مساعدی برای بالیدن گفتمان نان، آزادی و برابری، گفتمانی بالکل متفاوت با دیگر گفتمان های رایج در جامعه فراهم می آورد و دیگر آن که معلوم می کند چرا برآمد فوق با توطئه سکوت، سانسور و انعکاس یک جانبه رسانه های داخلی و خارجی وابسته به نیروهای یا ضد کارگری و قدرت های سرمایه داری مواجه شده است.



علاوه بر آن، همان گونه که شعارها و مطالبات مطرح شده نشان می دهند ضرورت ایجاد تشکل های مستقل کارگری، مهم ترین شعار لحظه کنونی کارگران را تشکیل داده و تجربه امسال نشان می دهد که به همت فعالین، رهبران، عملی و مبارز طبقه کارگر، از مرحله شعار صرف خارج شده و وارد فاز عملیاتی شده است. نکته مهم دیگر، واقعیت پلورالیستی و چندگانگی در میان کارگران و فعالین کارگری نسبت به نوع تشکلی است که کارگران در جستجوی آن هستند. بدون در نظر گرفتن چندگانگی فوق دست یابی به تشکل های مستقل و سراسری ناممکن خواهد شد. در واقع به رسمیت شناختن چندگانگی فوق به همراه تلاش برای یافتن فصل مشترک ها در چهارچوب ضرورت دست یافتن به تشکل های مستقل و حتی الامکان سراسری و هماهنگ شده، اکنون به مهم ترین محک آزمون فعالین و مدافعان طبقه کارگر تبدیل شده است. بلوغ فکری این فعالین خود را در آن نشان خواهد داد که چگونه قادر خواهند شد که ضمن برسمیت شناختن چندگانگی ها، آن ها را حول شکل گیری و تقویت همبستگی طبقاتی قرار دهند و و این که چگونه مانع آن خواهند شد که این گونه تمایزات منجر به تضعیف و تنشست صفوف طبقاتی آن نگردد.

بی گمان خط راهنما همانا تأکید بر مطالبات مشترک و عمومی و قراردادن اختلافات در چهارچوب آنست. در این رابطه باید با هرگونه سکتاریسم و فرقه گرایی که حاصل آن جزتضعیف و پاره پاره کردن صفوف کارگران و زائده سازی آن توسط جریانات بیرون از طبقه نیست به مقابله برخاست. تشکل مستقل گرچه معادل همه چیز نیست، اما بعنوان سنگ بنای اولیه و شرط لازم برای حرکت بجلو توسط طبقه کارگر و در راستای دو راهبرد خود رهایی و خود

نگاران و فعالین سیاسی را مقصر در وجود آمدن فضای ملهتیب سیاسی علیه خود عنوان می کرد. توقیف روزنامه های معترض و رفتار احترام آمیز اصلاح طلبان حکومتی نیز خیال او را اندکی آرام ساخته بود. اما شوک اول ماه مه نشان داد که این کارگران هستند که در صف مقدم توده های مخالف باوی قرار دارند. کارگران نه فقط او را نماد نظام جمهوری اسلامی و شریک قدرت حاکم و سلطه روحانیت و نماینده جیب های گشاد آفازاده ها می دانند، بلکه علاوه بر آن او را بدرستی تجسم تعدیل ساختاری، خصوصی سازی و بیکاری و گرانی می دانند. او هم چین نماد سرکوب آزادی و اقتدار نظام بشمار می رود. این را می توان در شعارهای خودجوش کارگران مشاهده کرد.

باین ترتیب کارگران قبل از دیگر اقشار اجتماعی طبل تحریم انتخابات نمایشی رژیم را به صدا درآوردند.

د- رویداد پر معنای ماه مه هم چنین نشان می دهد که مبارزات کارگران را نمی توان فقط در چهارچوب مطالبات اقتصادی و معیشتی گنجانند. با توجه به شرایط بحران همه جانبه و چند وجهی جامعه ما و پیوند تنگاتنگ مسائل سیاسی و اقتصادی و به برکت آگاهی های هم اکنون موجود در میان کارگران، مبارزه کارگران بطور بالفعل دارای سطوح سیاسی نیز هست. علاوه بر مبارزه برای مطالبات اقتصادی و صنفی، بدون آن که بخواهیم ذره ای تردید در اهمیت این گونه مبارزات روا بداریم، نباید سطوح دیگر مبارزه آنان را نادیده گرفت. برعکس یک راهبرد کارآمد و مؤثر، متضمن آنست که هم سطوح صنفی - اقتصادی و هم سیاسی - اجتماعی را دربرگیرد. برآمده ماه مه نشان داد که کارگران در عین حال ظرفیت و شایستگی آن را دارند که در موقعیت پیشین از مبارزه برای مطالبات پایه ای و دمکراتیک قرار گرفته و با حضور فعال خود در این عرصه، برای سرنگونی در جهت دمکراتیک و تعمیق آن بسوی یک دمکراسی اجتماعی نقش آفرینی کنند.

دریک کلام باید گفت که حضور مستقل طبقه کارگر در مبارزه برای سرنگونی و دمکراسی و در سمت و سودادن به آن اهمیت بنیادی دارد. بدون چنین رویکردی اگر هم مبارزات صنفی - اقتصادی بدست آمدنی باشد، سخت ناپایدار خواهد بود. طبقه کارگر با درک ضرورت نبردهای بزرگی که در پیش رو دارد، باید خود را بیش از پیش برای مشارکت و مداخله در آن آماده کند. نمی توان انکار کرد که برآمد ماه مه لافل وجود زمینه های مساعد برای ایفاء چنین نقشی را توسط کارگران به نمایش گذاشت که بدون توجه شایسته به آن از سوی پیشروان و فعالین کارگری، بیم آن می رود که آن ها عقب تراز مبارزه و مطالبات کارگران قرار گیرند. والینت توجه به این مهم آن گونه که اشاره شد هرگز به معنای کم بها دادن به مطالبات اقتصادی و صنفی و نقش آن در گسترش صفوف همبسته کارگران نیست. اما بی اعتنائی فعالین و پیشروان جنبش کارگری به این سطح از مبارزه طبقه کارگر و کم کاری در سازماندهی آن به مثابه کارگر - شهروند نیز نه فقط به معنای عقب ترماندن از طبقه کارگراست، بلکه در عین حال به معنای واگذار کردن این عرصه از مبارزه به دیگر طبقات و لاجرم فراهم ساختن فرصت برای کسب فرادستی بر جنبش کارگری از سوی آنان است.

## 2- مراسم مستقل کارگری

برگزاری مراسم مستقل ماه مه نیز در کلیت خود و بنیاد لائل گوناگون نشان دهنده پیدایش حال و هوای تازه ای در جنبش کارگری بوده و حاکی از ورود آن به مرحله تازه ای است.

چنین تحولی را می توان هم در گسترش تعدد و دامنه کمی این گونه مراسم، چه در کارخانه ها و محیط های کارگری و چه در دانشگاه ها و یا مکان های دیگر، مشاهده کرد. و هم در ادیکالیسم نهفته در شعارها و سخن رانی ها، و هم در تنوع شعارهایی که در مجموع هم منافع مشترک آحاد طبقه را بیان می کرد و هم مطالبات اخص بخش های مختلف کارگران و زحماتکشان را، و بالاخره باید به عنصر هماهنگی نسبی و بعمل آمده در این نوع حرکات و شعارها اشاره کرد که خود جلوه دیگری از تقویت

## برآمد اول ماه مه ...

حکومتی است. آن تکیه گاهی است که ارشمیدس در جستجوی آن برای جایجا کردن کره زمین بود. بهمین دلیل یک اصل بنیادی و صرفنظر نکردنی برای همه مدافعان راستین حاکمیت کارگران و زحمتکشان به دست خود و به سرنوشت خود است. و این را نیز باید اضافه کرد که تأکید برتشکل مستقل در عین حال به هیچ وجه به معنای نفی سطوح دیگر فعالیت و از جمله فعالیت اخص حزبی در میان کارگران نیست. بلکه به معنای آنست که اولویت مطلق و شالوده، همانا اتحاد طبقاتی خود کارگران و زحمتکشان است و سطوح دیگر فعالیت ها باید این اصل راهنما را در برابر خود قرار دهند و نه خود را در برابر آن.

### 3- در خارج کشور

در خارج کشور، گرچه متأسفانه هنوز تحول چشم گیری را نسبت به سال های گذشته از نظر دامنه و کیفیت برگزاری مراسم شاهد نبودیم و بنظر می رسد هنوز تکانه های دیگری لازم است تا آن ها به خود آیند. اما در همان حدی که برگزار شد، می توان تک جوش هائی در راستای پیوند با جنبش مزدو حقوق بگیران داخل کشور و ایجاد هماهنگی نسبی با داخل و برقراری دیالوگ با آن مشاهده کرد.

واقعیت فوق نشان می دهد که نیروهای مدافع جنبش مزدو حقوق بگیران در خارج از کشور بدلیل گسسیختگی مزمین خود از آن ها، اولاً بعنوان خط راهنما باید بیش از پیش در راستای پیوند خود با جنبش های داخل کشور بکوشند. و ثانياً، تنها در راستای معطوف به چنین پیوندی است که آن ها می توانند وفادار خواهند شد که تدریجاً از لاک فرقه گرایی مزمین خود درآمده و با مسائل واقعی و جنبش های واقعی وهم اکنون موجود در آمیزند. و برپایه حمایت از جنبش هم اکنون موجود، به همکاری و تنظیم رابطه های مثبت فی مابین خود مبادرت کنند و بر همین بستر تجدید حیات و تجدید سازمان پیدا کنند. نباید فراموش کرد که پیوند هرچه ژرفتر با جنبش کارگران و زحمتکشان پادزهر فرقه گرایی محسوب می شود.

بی شک نیروهای مدافع جنبش کارگری در خارج کشور تنها با درک این ضرورت و شوریدن علیه عوامل گسست خود با جنبش های داخل کشور (والبت به همان اندازه مهم با جنبش های جهانی) و لاجرم برقراری پیوندهای لازم با جنبش های اجتماعی داخلی و بین المللی است که می توانند نقش مثبتی را در کل جنبش کارگری و زحمتکشی کشورمان به عهده بگیرند. بدیهی است که این کاربرد و وقوف به جایگاه و توانائی ها و ناتوانی ها خود، و بدون تنظیم درست رابطه سازنده با کارگران و زحمتکشان ممکن نخواهد شد. مداخله، ارائه رهنمودهای مشخص و برخاسته از روابط یک جانبه نه ممکن است و نه مفید و سازنده. نیروهای خارج کشور تنها با وقوف به مزایای نسبی خود و نیازهای کل جنبش می توانند کارکرد مثبتی داشته باشند. رئوس مهم این وظایف را، در شرایط کنونی، می توان بشرح زیر دسته بندی کرد:

گشودن دیالوگ منظم با داخل کشور حول مسائل عملی و فکری جنبش کارگری که بالکل با شیوه دیکته کردن و یاد دادن یک طرفه متفاوت بوده و بیش و قبل از آن برآموختن از جنبش و فعالین طبقه استوار است، تقویت پیوند جنبش های داخل کشور با جنبش های جهانی و سد سرمایه داری سایر کشورهای جهان هم بلحاظ عملی و هم به لحاظ نظری و انتقال دستاوردهای آن، جلب حمایت فعال جنبش های کارگری و ترقی خواهانه سایر کشورهای از مطالبات مزد و حقوق بگیران داخل کشور و بالعکس، افشاء اقدامات سرکوب گرانه رژیم در نزد سازمان های بین المللی و افکار عمومی جهانی و منزوی ساختن آن، حمایت فعال از مبارزات داخل کشور از جمله بوجود آوردن تریبون ها و رسانه های مستقل و فراگیر که بازتاب دهنده صدای زحمتکشان باشد و ایجاد صندوق های مالی حمایتی .

### \* با ما ارتباط بگیرید \*

سر دبیر هفته نامه

[arash.k@rahekargar.net](mailto:arash.k@rahekargar.net)

روابط عمومی سازمان

[public@rahekargar.net](mailto:public@rahekargar.net)

تلفن عمومی سازمان

49 -40 -6777819

شماره فاکس سازمان

33-1-43455804

سایت رادیو برابری

[www.radiobarabari.net](http://www.radiobarabari.net)

سایت راه کارگر

[www.rahekargar.net](http://www.rahekargar.net)

سایت اتحاد چپ کارگری

[www.etehadchap.com](http://www.etehadchap.com)

سایت رادیو صدای کارگران ایران

[www.sedayekargaran.com](http://www.sedayekargaran.com)

توجه : مقالاتی که با کد " دیدگاه " مشخص میشوند ، الزاماً بیاترگر مواضع سازمان نیستند .

15.02.84-05.05.05

## گزارشاتی از مراسم روز کارگر در ایران!

### • تهران

ایسنا: همزمان با روز کارگر عصر روز گذشته (یکشنبه) نشست‌های حضور بیش از دویست نفر اعضای سندیکاهای مختلف در سالن باختر با شعار "خواستار تسریع در تغییرات جدی فصل ششم قانون کار به منظور تامین آزادی‌های سندیکایی، اتحادیه‌ای هستیم" برگزار شد.



در این مراسم که کارگران بارها از سندیکا سخن راندند، یعقوب مهدیون - از اعضای قدیمی صنف کفاشان - با سابقه فعالیت شصت ساله خود با اشاره به کاهش هر روزه حقوق کاری گفت: «مصوبات مجلس در زمینه حذف مقررات کار و وجود کارگران قراردادی، نشانگر وجود آینده‌ای تاریک است.»

وی خاطرنشان کرد: «با وجود پابرجایی فصل ششم قانون کار دولت از حرکت شفاف و علمی مقابله‌نامه‌ها با فعالیت آزاد سندیکایی سر باز می‌زند و رعایت مقابله‌نامه‌های بنیادین کار مانند هفتاد و هشت و نود و هشت در پایین‌تر حد خود قرار دارد که نشان می‌دهد در جهت واقعی‌سازی دستمزدها تلاش و اراده‌ای وجود ندارد.»

وی رشد و شکوفایی کارگران را در جهت استفاده بهینه از استعدادهای نهفته و بهره‌وری مناسب از ذخایر دانست و گفت: «در غیر این صورت شاهد از بین رفتن تولید، صنعت و خدمات اجتماعی خواهیم بود.»

وی کار کودکان را بی‌عدالتی خواند و ادامه داد: «سازندگان و فرمای ایران در دست کودکانی است که امروز باید مطابق با حقوق کودک از امکانات رفاهی و اجتماعی برخوردار شوند.»

مهدیون تصریح کرد: «اتحادیه‌های کارگری توانایی نشان دادن نقش کارگران در تولید و خدمات اجتماعی را دارند و تنها در صورت اتحاد کارگران در سندیکاهای این نیروی عظیم قادر به احقاق حق خود در مجلس قانونگذاری خواهند بود که در این صورت برای جامعه و کارگر سودمند است.»

در این جلسه که اصناف گوناگون از جمله کفاشان، خیاطان، فلزکاران، خمرکار و نوردکار، شرکت واحد، خودروسازی، سایپا و ایران خودرو حضور داشتند، پرویز بابایی - یکی از شرکت‌کنندگان - با اشاره به تاریخچه اتحادیه کارگران چاپ در صد سال گذشته گفت: «متأسفانه در حال حاضر بعد از گذشت صد سال باید برای احیا و ایجاد سندیکاهای مستقل تلاش کنیم.»

استاد محمد جوشکار از طرف کارگران پروژه‌ای که به علت کار در طرح‌های اجرایی کشور در این جلسه حضور نداشتند، بیانیه‌ای در خصوص وضعیت نامطلوب کارگران قرائت کرد.

وی در این مطلب با اشاره به نبود توجه و قدردانی از زحمات سازندگان زحمتکش پروژه‌ها و از نبود امنیت شغلی، ندادن حقوق به‌موقع و نبود امکانات رفاهی برای کارگران و خانواده‌شان گله کرد.

در ادامه این جلسه نمایندگانی از اصناف مختلف در سخنانی به سختی‌ها و مشکلات کار اشاره کردند و خواستار ادامه کار و فعالیت سندیکاهای شدند.

بر اساس این گزارش به گفته یکی از اعضای اصلی سندیکای شرکت واحد، صبح دیروز نزدیک به هزار نفر از کارگران عضو سندیکای شرکت واحد به وزارت کار و امور اجتماعی مراجعه و با کریمی - معاون وزیر کار - دیدار و گفت‌وگو کرده و از سوی معاون وزیر کار قول مساعد ادامه مذاکرات با سندیکا را گرفته‌اند.

این افراد برای پیگیری نامه‌ای که به رییس جمهور ارئه شده به وزارت کار مراجعه کرده بودند.

### • سندج

قطعه‌نامه اول مه (روز جهانی کارگر) ۲۰۰۵ - سندج

گرامی باد اول مه روز جهانی کارگر!

اول مه (روز جهانی کارگر)، روز اعلام اتحاد جهانی طبقه ما برای مقابله با این دنیای وارونه است. روز اعلام کیفرخواست طبقه کارگر جهان علیه کلیت نظام سرمایه دارست. در این روز کارگران در اقصی نقاط جهان رژه میلیونی خود را علیه نظام سرمایه داری که عامل تمام محرومیتها و مشقات، فقر و گرسنگی، بیکاری و بی مسکنی، فساد و فحشا و رنج و تنهایی است، به نمایش میگذارد.

برای سرمایه سود حکمت همه چیز است و رفاه و خوشبختی و امنیت جسم و جان انسانها را در حصار سود و منفعت شخصی به بند کشیده است.

در این روز ما برای احقاق حقوق انسانیمان جمع شده ایم و اعلام می کنیم که در میان ما، رنگ، نژاد، قومیت، جنسیت مبنای تمایز نیست. همه ما انسانیم و در سرنوشت هم شریک. ما خود را هم سرنوشت و همسنگر مبارزه کارگران در سراسر جهان و مبارزه همه انسانهای آزادیخواه می دانیم. ما در این روز اعلام می‌کنیم که دیگر هیچ کس حق ندارد خود را مالک جسم و جان کارگران بداند و مرگ و زندگی مان را تعیین کند.

در این راستا و تا رسیدن به یک زندگی مرفه و شایان شأن انسان، ما کارگران رئوس مطالبات خود را به شرح زیر اعلام می داریم:

1- دستمزد کارگران فوراً و بدون قید و شرط افزایش یافته و حداقل دستمزد به یک و نیم برابر خط فقر برسد. تنها مرجع صلاحیت دار برای تعیین افزایش دستمزد نمایندگان واقعی کارگران و منتخب مجامع عمومی آنهاست.

2- عدم پرداخت به موقع حقوق و مطالبات کارگران جرم محسوب شده و حقوق معوقه کارگران باید فوراً پرداخت شود.

3- ساعات کار کارگران باید به 30 ساعت در هفته کاهش یابد و هر گونه اضافه کاری اجباری ممنوع گردد.

4- قرارداد های موقت کار تعرض به پایه ای ترن حقوق کارگری و به شدت ضد انسانیست.

این ماده از قانون باید فوراً برچیده شده و کلیه قراردادهای موقت به استخدام رسمی تبدیل شود.

5- معافیت کارگاه های زیر پنج و ده نفر از شمول قانون کار را شدیداً محکوم کرده و باید لغو گردد.

6- تعدیل نیرو و اخراج کارگران به هر بهانه ای محکوم و کارگران اخراجی باید فوراً به محل کار خود بازگردانده شوند.

7- اعتصاب و اعتراض حق ماست. ما حق خود میدانیم در مقابل پامال شدن حقوق صنفی و اجتماعی خود دست به اعتصاب بزنیم.

8- آزادی بی قیدو شرط عقیده، بیان، مطبوعات و تشکل حق همه است. کارگران باید بتوانند تشکلهای آزاد کارگری و سراسری خود را تشکیل دهند. و در همین راستا از فعالیت کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری پشتیبانی میکنیم.

9- ایجاد اشتغال و بیمه بیکاری مکفی برای افراد بالای 16 سال اعم از زن و مرد با حقوق برابر باید فوراً متحقق شود.

10- برپایی مجامع عمومی کارگری در ساعات و محیط کار باید به رسمیت شناخته شود.

11- هر گونه تهدید، فشار و مزاحمت، تبعید و دستگیری و اخراج کارگران به هر بهانه ای محکوم است. محاکمه فعالین کارگری سفز باید فوراً متوقف شود.

12- کار کودکان ممنوع و جرم تلقی شود. برخورداری کودکان از



محیطی امن و سرشار از شادی و نشاط و امکانات آموزشی، بهداشتی و رفاهی حق کودکان است.

13- ما از مبارزه معلمان و پرستاران حمایت میکنیم و خواستار آنیم که مطالبات این شریفترین انسانهای جامعه، فوراً پذیرفته شود.

14- مسئله نداشتن مسکن و بیخانمانی یکی از بزرگترین معضلات کارگران است که باید به آن رسیدگی شود.

15 - روز اول مه، روز جهانی کارگر باید تعطیل رسمی و عمومی اعلام شود. کارگران باید بتوانند بدون احتیاج به کسب مجوز و بدون دخالت پلیس اجتماع کنند و مراسم و جشن کارگیشان را بر پا کنند.

پرولتاریای جهان متحد شوید!

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر!

کمیته برگزار کننده مراسم اول مه سندج

#### • مشهد -

قطعنامه جمعی از دانشجویان دانشگاه فردوسی

امروز بیش از گذشته دریافته ایم که عامل اصلی مشقات و محرومیتها بشر زمان ما نظام سرمایه داری و بردگی مزدی است جنگ ، نا امنی اقتصادی ، تن فروشی ، تبعیض و بی حقوقی تماما پیامدهای این نظام اقتصادی نابرابر هستند . هدف سرمایه داری نه تأمین نیازهای مردم ، بلکه سود هر چه بیشتر است .

دنیای ما برابر ما ، شایسته هیچ انسانی نیست و باید دگرگون شود . حق هر انسان است که از آنچه خود تولید نموده بهره مند شود و همین امروز زندگی مرفه و انسانی داشته باشد .

اول ماه می روز جهانی کارگر ، روز اعلام کیفر خواست طبقه کارگر در سراسر جهان علیه این دنیای وارونه است . ما تمام مردمی که این وضع را نمی خواهند فرا می خوانیم که همراه ما برای تغییر این وضع به میدان بیایند.

ما خواهان پایان دادن به استثمار و برپای جامعه ای انسانی هستیم . اما تا تحقق این امر فوری ترین خواسته های ما به شرح زیر است .

1. دولت دستمزد کارگران را 122 هزار تومان اعلام نموده است ، در حالی که خط فقر رسمی 150 هزار تومان می باشد . یعنی حداقل دستمزد زیرخط فقر است ما اعلام می کنیم که حداقل دستمزد کارگران می بایست يك و نیم برابر خط فقر یعنی 225 هزار تومان باشد.

2. کار یا بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد بیکار آماده به کار . بیمه بیکاری باید به اندازه حداقل دستمزد باشد .

3. لغو فوری همه قراردادهای موقت . همه کارگران قراردادی فوراً به استخدام رسمی باید در آیند .

4. پرداخت فوری همه دستمزدهای معوقه . نپرداختن دستمزد يك زردی آشکار است و باید جرم محسوب شود . دولت در مقابل پرداخت کلیه دستمزدهای معوقه و پرداخت به موقع دستمزدها مسئول است .

5. آزادی بی قید و شرط تشکلهای کارگری و اعتصاب.

6. کلیه اخراجهای دسته جمعی و انفرادی تحت هر عنوان از قبیل تعدیل نیرو ، بازخرید و بسته شدن کارخانه می باید متوقف گردد.

7. ما خواهان به رسمیت شناخته شدن روز جهانی کارگر هستیم که باید به عنوان روز تعطیل رسمی کشور قرار گیرد.

8. دستمزد برابر به ازای کار برابر برای زنان و مردان

9. تأمین رفاه اجتماعی برای کلیه خانواده های کارگران شاغل و بیکار ، بازنشسته ، از کار افتاده و بی سرپرست .

10. پرداخت هزینه مسکن به نسبت هزینه واقعی مسکن کارگران و هزینه نهار و يك وعده غذای گرم به قیمت واقعی .

زنده باد روز جهانی کارگر

زنده باد اتحاد جهانی کارگران

#### • تهران - اجتماع کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری

سایت کانون اشتراک: روز یکشنبه 11 اردیبهشت گردهمایی بزرگ و باشکوهی به مناسبت روز اول ماه مه، در سینما فردوسی واقع در خیابان انقلاب برگزار شد. این مراسم که توسط "کمیته

پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری" تدارک دیده شده بود با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد و احترام جان باختگان راه آزادی و برابری آغاز گردید.

در ادامه مراسم، فعالین کارگری در ارتباط با معضلات و مشکلات طبقه کارگر به سخنرانی پرداختند و از سیاست های فعلی دولت در زمینه دستمزدها و قراردادهای موقت و بی توجهی به مطالبات و وضع معیشتی کارگران انتقاد کردند و خواستار تشکل یابی هر چه بیشتر طبقه کارگر برای رسیدن به مطالبات خود شدند.

وجود پلاکاردهایی با مضامین "آزادی حق اعتصاب"، "افزایش دستمزدها"، "لغو قرارداد کار موقت" و... دلیل دیگری بر این واقعیت بود که این مراسم تنها یک بزرگداشت و یا جشن نبود بلکه گردهمایی و حرکتی بود در جهت بیان چندین باره مطالبات و خواسته های به حق و نادیده انگاشته شده ی طبقه کارگر.

در کنار این مراسم نمایشگاه عکسی به منظور افشای جنایت های پنهان نظام سرمایه داری بر پا شد . از نکات قابل ذکر در سخنرانی ها می توان به بررسی وضعیت کودکان کار، شرایط نامناسب خانواده کارگران، اصلاح قوانین ناقص و ناعادلانه ی کار، حمایت از حقوق زیر پا گذاشته شده ی طبقه ی پرستاران و معلمان اشاره کرد. در میانه ی مراسم نیز یک گروه موسیقی به اجرای برنامه پرداختند و در پایان قطعنامه کمیته پیگیری در مورد اول مه قرائت شد، و در آخر برنامه بار دیگر سرود جهانی طبقه کارگر (انترناسیونال) به زبان فارسی و با همخوانی حضار پخش شد.

#### • خلاصه سخنرانی جعفر عظیم زاده عضو کمیته پیگیری و فعال کارگری

خدمت همه دوستان سلام عرض می کنم و اول ماه مه روز جهانی کارگر ، روز اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران را به همه شما و تمامی انسان های شریف و برابری طلب تبریک می گویم.

دوستان! همانطور که می دانید حداقل دستمزد در سال 84 از طرف شورای عالی کار صد و بیست و دو هزار و پانصد تومان به تصویب رسید. از طرفی خط فقر قبل از عید سیصد هزار تومان و بعد از عید از طرف سازمان برنامه و بودجه صد و پنجاه هزار تومان اعلام شد. به نظر من اعلام تقریباً همزمان حداقل دستمزد و خط فقر در برابر دیدگان جامعه به این معناست که تصویب کنندگان این میزان دستمزد در کمال وقاحت باکی از این ندارند که صریحاً اعلام کنند اکثریت عظیم مردم بایستی زیر خط فقر زندگی کنند.

این درجه از وقاحت و درندگی واقعا در نظام های سرمایه داری معاصر بی سابقه است، این در حالیکه کارگر نیز حق اعتراضی جدی، به گرسنگی و درماندگی خود ندارد و به محض اعتراض با نیروی سرکوب و پلیس مواجه می شود، واقعیت این است که نمی شود هم مردم را گرسنه نگه داشت و هم حق اعتراض را از آنها سلب کرد. این درجه از انتظار برای بردگی اکثریت عظیم جامعه از طرف گردانندگان آن در تاریخ معاصر هم بی سابقه است. کارگر را با قرار داد موقت به کار می گیرند. کارگر را با برگ قرارداد موقت سفید امضا به کار می گیرند. حق تشکل یابی را از کارگر سلب می کنند، اعتراض کارگر را به خون می کشند، موج بیکار سازی ده ها هزار نفری به راه می اندازند و دستمزد کارگر را ماه ها پرداخت نمی کنند، آن هم دستمزدی که زیر خط فقر است. به کارگر صریحاً می گویند باید گرسنه بمانی، آنوقت اعتراض هم نباید بکنی. این امر به نظر من محال است. هیچ انسانی تا این درجه و حدت، تن به بی حقوقی نمی دهد. ما از همین جا اعلام می کنیم که به این وضعیت تن نخواهیم داد، تولید تمام ثروت اجتماعی بی حقوقی مطلق به کارگران اینقدر توانمند است؟ چرا به راحتی قادر است تمام شرایط و ملزومات سود آوری خویش را متحقق کند؟ واقعیت این است که در درجه اول، این امر ناشی از موقعیت فرودست کارگر در نظام سرمایه داریست. طبقه کارگر در نظام سرمایه داری هیچ ابزاری برای دفاع از حقوق انسانی خود در مشتی اقلیت حقوقی های میلیونی بگیرند!

در چنین شرایطی سوالی که به شدت توجه هر انسانی را به خود جلب می کند این است که: چرا نظام سرمایه داری در ایران در تحمیل بی حقوقی مطلق به کارگران اینقدر توانمند است؟ چرا به راحتی قادر است تمام شرایط و ملزومات سود آوری خویش را متحقق کند؟ واقعیت این است که در درجه اول، این امر ناشی از موقعیت فرودست کارگر در نظام سرمایه داریست. طبقه کارگر در نظام سرمایه داری هیچ ابزاری برای دفاع از حقوق انسانی خود در



اختیار ندارد. تمام ثروت و امکانات اجتماعی در خدمت صاحبان سرمایه است. نهاد دولت، قانون، نیروی پلیس و زندان، همه و همه در اختیار صاحبان سرمایه است. نمونه عریان اثبات چنین ادعایی را در مساله دستمزد ها به راحتی می توان مشاهده کرد. اگر کارگر به وضعیت مشقت بار خود اعتراض کند، همانطور که همه ما بارها دیده ایم با نیروی ویژه و سرکوب مواجه می شود. سیستم سرمایه داری حاضر است میلیارد ها تومان هزینه سرکوب کارگر کند، ولی حاضر نمی شود یک زندگی انسانی را برای کارگر تامین نماید. اما اگر سود سرمایه پایین بیاید آنوقت مساله فرق می کند. صاحب سرمایه نیازی به اعتراض ندارد. آنان به راحتی در خانه ای به نام شوراکی عالی کار دور هم می نشینند و حتی به تعهد خود مبنی بر رساندن سقف حداقل دستمزدها به سقف سال 58 پشت پا می زنند و حداقل دستمزد را آنطوری که منافعشان اقتضا می کند به تصویب می رسانند.

دوستان ببینید ما چقدر ناتوانیم که تازه پس از 28 سال و پیشرفت تکنولوژی تولید و بالا رفتن استاندارد زندگی در این فاصله، تازه دستمزد سال 58 را هم در کمال وقاحت نمی خواهند به ما بدهند، چه میشود کرد، به قولی باید درمان را به چه کسی بگویم؟ واقعیت این است که در این جامعه کسی گوش شنوا ندارد. اصلا اراده و برنامه ای هم در سطح گردانندگان این جامعه برای اصلاح این وضعیت وجود ندارد. این خاصیت ذاتی نظام سرمایه داریست که برای تامین و تضمین سود خویش، کارگر را مجاله کند.

بنابراین به نظر من کارگر بایستی به نیروی خود متکی شود. نیروی کارگر هم در اتحاد و تشکل یابی آن است. طبقه کارگر بایستی خودش را متحد و یکپارچه کند. در غیر این صورت نظام سرمایه داری هیچ ترحمی به ما نخواهد کرد، اصلا زندگی ما و آینده بچه هایمان مساله اش نیست، مساله اش سودش است، بنابراین بهبود شرایط زندگی ما و خاتمه دادن به این همه فلاکتی که گریبان ما را گرفته، قبل از هر کسی دست خودمان را می بوسد. کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری در شرایطی که کارگران هیچگونه تشکل مستقلی را برای دفاع از حقوق اجتماعی خود ندارند، پاسخی است به این نیاز طبقه کارگر.

این کمیته به دنبال نشست سه جانبه ای که با نظارت سازمان جهانی کار برگزار شد از طرف تعدادی از فعالین کارگری و در اعتراض به این نشست ایجاد گردید. این کمیته از بدو شکل گیری خود تا به امروز سه مجمع عمومی با شرکت فعالین کارگری از نقاط مختلف کشور برگزار کرده و همه تصمیمات آن متکی به مجمع عمومی بوده است. این کمیته قصد دارد به مجمعی از رهبران و فعالین کارگری تبدیل شود تا بدین ترتیب طبقه کارگر از طریق ارتباط مستقیم رهبران در نقاط مختلف کشور، راه خود را برای دفاع از حقوق پایمال شده خویش و همچنین بستر لازم را برای ایجاد تشکل های سازمان یافته تر باز کند.

کمیته پیگیری مجمع عمومی بعدی خود را در تاریخ 84/3/13 برگزار خواهد کرد. ما از همه رفقای کارگری که در این مراسم حضور دارند دعوت می کنیم تا در مجمع عمومی چهارم این کمیته که در مورخه 84/3/13 برگزار خواهد شد شرکت کنند تا با دخالت گری خود، این کمیته را در راستای اهدافی که خودشان در مجمع عمومی آن تعیین می کنند یاری دهند. موفق باشید

### • سخنرانی بهروز کریمی (مدیر مسوول نشریه دانشجویی خاک)

امروز در موقعیتی هستیم که طبقه کارگر در بدترین شرایط قرار دارد و با مشکلات اساسی مانند عدم امنیت شغلی، دستمزد های پایین، فشار کار و ... مواجه است و طبقه کارگر نیز از هیچ گونه ابزار دفاعی مناسبی برخوردار نیست.

ایجاد تشکل های آزاد کارگری، آزاد به معنی فارغ از دخالت دولت و کارفرما، که متأسفانه تا کنون چنین چیزی وجود نداشته است، بلکه تشکل هایی که تا کنون وجود داشته اند ابزار تحمیل خواسته های دولت و کارفرمایان به طبقه کارگر بوده است. می تواند تبدیل به تشکل های توده ای کارگران شود تا بتواند مطالبات طبقه کارگر را پیش برد. کارگران از هرگونه اهرم فشاری در جهت پیشبرد اهداف و مطالبات خود و یا دفاع از حقوق حداقلی خود محروم می

باشند. مانند کارگران ایران خودرو یا عسلویه که حتی از حقوق قانونی خود مانند شوراهاک اسلامی کار محرومند. ایجاد این تشکل ها و پیگیری برای ایجاد این نهاد ها، تنها گام نخست در راه ایجاد اتحاد طبقاتی و پیگیری مطالباتی نظیر افزایش دستمزدها، بیمه و لغو قرار داد موقت است. خواست های عمومی طبقه کارگر با و یا بدون این تشکل ها به صورت خودجوش توسط فعالین کارگری دنبال خواهد شد ولی بسیار بهتر خواهد بود که ظرف مناسب برای این حرکت، یعنی تشکل های آزاد کارگری ایجاد شود.

در نهایت باید گفت امروز پرستار و معلم فرقی بین خود و کارگر احساس نمی کند. آنان هم در مناطق مختلف کم یا زیاد، با پدیده هایی از قبیل قرار داد های موقت، عدم امنیت شغلی، بیکاری، دستمزد های پایین و ... مواجه اند. در نتیجه خواسته هایی نظیر ایجاد تشکل های آزاد کارگری و مطالبات طبقه کارگر اکثریت جامعه را نمایندگی می کند.

طبقه کارگر مدافع و پیش برنده منافع و مطالبات همه استعمار شدگان و اقلیت هایی است که سخنگویی در جامعه ندارند. سرمایه داری هیچ گاه حقوق ما را با دستان خود و با خوشرویی نمی دهد. و هر جا که طبقه کارگر و نمایندگانش را در ضعف و پراکندگی دیده، حتی حقوق اولیه و انسانی کارگران را نیز از آنها گرفته است.

کارگران، معلمان و پرستاران و همه انسان های آزاده، ما تنها با دستان خود می توانیم حقوق از دست رفته خویش را بگیریم. با اتحاد ما و حرکت ماست که سرمایه داری می لرزد و صداک ناقوس مرگ خویش را در دالان های تاریخ می شنود. کارگران جهان متحد شوید

### • تهران - دانشگاه تهران

سایت کانون اشتراک: روز ده اردیبهشت هشتاد و چهار پس از گذشت دو دهه مراسم اول ماه مه در دانشگاه تهران برگزار شد که در این میان دو تن از فعالین کارگری به همراه سردبیر نشریه خاک و یک روزنامه نگار به ایراد سخنرانی پرداختند. تمامی موارد مطرح شده در این جلسه حول مسائل کارگری و دغدغه ها و مشکلات این جنبش مطرح گردید که دیری است به فراموشی سپرده شده است. در کنار این مراسم نمایشگاه عکسی نیز از طرف برگزار کننده گان ترتیب داده شده بود که در صدد نشان دادن جلوه ای از برهوت سرمایه داری بود. در ابتدا و انتهای مراسم نیز قسمتی از فیلم معنای زندگی و عصر جدید به نمایش در آمد که بار دیگر نشان داد که دنیای به اصطلاح متمدن امروز چگونه بردگی را بار دیگر بار دیگر بر انسان ها تحمیل می نماید.

امروز در راستای موانع پیش روی جنبش کارگری مساله دستمزد ها و قرار داد های موقت و اینکه چرا اساسا باید به کارگر و جنبش این طبقه بها داده شود پرداخته شد. جنبشی که می تواند با توجه به صحبت های امروز گام در راه رهایی جامعه برداشته و مطالبات اکثریت جامعه را فراهم نماید. مطالباتی که چند سالی است در جنبش دانشجویی ایران نیز مطرح گردیده و همین مطالبات این دو جنبش را به هم مربوط ساخته است. فعالین کارگری بر این امر اذعان داشتند که جنبش دانشجویی بنا به اینکه خواستگاه برابری طلبی است می تواند در کنار جنبش کارگران و دیگر زحمتکشان حضور داشته و نه به دلیل منفعت طبقاتی بلکه به دلیل همین برابری طلب بودن و عدالتخواه بودن این جنبش است که آن را در کنار طبقه کارگر برای پیگیری مطالباتش قرار می دهد. آنها در راستای صحبت هایشان خود را حامی مطالبات بر حق پرستاران و معلمان دانسته و حمایت خود را از این خواسته ها اعلام داشتند.

در ادامه صحبت ها در خصوص جایگاه جنبش کارگری در جامعه و جایگاه شوراهاک اسلامی و خانه های کارگر افشاگری شد. و گفته شد دولت در برابر مطالبات بر حق کارگران تنها روش شکنجه و زندان را به کار برده است و نه حمایت از آن را!

در انتها نیز جلسه پرسش و پاسخی با شرکت تمامی حضار برگزار شد که به سوالات آنها پاسخ داده شد.



## فرمان انحلال سندیکا !

وزارت کار رژیم اسلامی ، هیات موسس احیا سندیکاهای کارگری را غیرقانونی اعلام کرد .

دوشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۴ - ۲ مه ۲۰۰۵  
فعالیت هیات موسس احیا سندیکاهای شرکت واحد، از سوی اداره کل تشکلات کارگری - -- کارفرمایی وزارت کار غیر قانونی شناخته شد. به گزارش خبرنگار گروه کارگری ایلنا، اداره کل تشکلات کارگری - کارفرمایی وزارت کار، طی نامه ای به شورای اسلامی کار شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، با استناد به تبصره چهار ماده صد و سی و یک قانون کار، فعالیت هیات مذکور را مادامی که شوراهای اسلامی کار در مناطق شرکت واحد فعالیت دارند، بر خلاف قوانین دانست.

در ادامه این نامه آمده است: براساس تبصره چهار ماده صد و سی و یک قانون کار، کارگران يك واحد می توانند جهت دفاع از منافع مشروع و حفظ حقوق قانونی خود، یکی از سه موارد شورای اسلامی کار ، انجمن صنفی و یا نماینده کارگران را داشته و هیچ يك از نهادهای سه گانه، نمی توانند به طور همزمان در يك واحد تولیدی فعالیت داشته باشند .

## برهم خوردن مراسم " خانه کارگر " رژیم اسلامی



علیرضا محبوب دبیرکل خانه کارگر که می کوشد در سایه ی هاشمی رفسنجانی نماینده «مجلس فرمایشی» شود، روز دوشنبه مدعی شد مراسم خانه کارگر در حمایت از هاشمی رفسنجانی را توده ای ها بر هم زدند!

وی گفت: يك جماعت تقریبا سیصد نفری با هدف و برنامه ریزی قبلی، نظم کنگره سراسری و مراسم روز جهانی کارگر را بر هم زدند. به گزارش خبرنگار گروه کارگری ایلنا، "علیرضا محبوب"، دبیر کل خانه کارگر، در پنجمین کنگره سراسری خانه کارگر، با اعلام مطلب فوق گفت : آنچه که در مراسم روز جهانی کارگر امسال اتفاق افتاد ، به ما نشان داد اگر در امور تشکیلاتی ، برنامه ریزی هدفمندی نداشته باشیم ، به راحتی ابزار دست گروههای سودجو قرار خواهیم گرفت . وی با بیان اینکه جمعیت ناآرام حاضر در ورزشگاه ، پیش از ورود دسته کارگران راهپیمای در محل ورزشگاه مستقر شده بودند ، گفت : متأسفانه به دلیل نبود تعامل میان حراست ورزشگاه و انتظامات خانه کارگر ، این گروه آشوبگروانستند با ایجاد يك جو ناآرام ، در میان جمعیت حاضر در ورزشگاه پراکنده شده و اعلامیه های حزب توده را در بین حاضرین پخش نمایند . دبیر کل خانه کارگر با اشاره به دیدار خود با رییس جمهور ، تصریح کرد : رییس جمهوری پس از آگاهی از ناراضی کارگران در خصوص وضعیت دستمزدها ، دستور پیگیری و رسیدگی در این خصوص را به وزیر کار صادر کرد .

وی خاطر نشان کرد : ماجرای ورزشگاه 12 هزار نفری آزادی نه تنها امکان نتیجه گیری و بهره برداری مطلوب را از ما سلب کرد ، بلکه برخستگی ناشی از فعالیت های هفته کارگر نیز افزود . محبوب پیش بینی کرد در نتیجه وقایع تجمع روز جهانی کارگر ، بازتابهای گوناگونی را در رسانه ها شاهد خواهیم بود .

## گزارش مستقل دریافتی از تهران در رابطه با بهم خوردن مراسم خانه ضد کارگر

با درود و آرزوی پیروزی برای شما و دوستانتان: امروز من به محل تجمع کارگران در مجموعه ورزشی آزادی رفتم هزاران نفر از کارگران به همراه صدها نفر از دانشجویان و معلمانی که برای همبستگی با کارگران آمده بودند در داخل سالن 12000 نفری آزادی و بیرون از سالن تجمع کرده بودند. در این بین تعداد زیادی هم زن آمده بود. قبل از اجتماع در ورزشگاه آزادی ، ابتدا چند صد نفر از کارگران در سه راه ارج(جنب کارخانه ارج در جاده مخصوص کرج) تجمع کرده بودند و بعد به سمت ورزشگاه راه پیمایی کردند. ده ها نفر از نیروهای سرکوبگر انتظامی در آن! جا حضور داشتند و فریبکارانه سعی داشتند خود را همراه کارگران نشان بدهند و روز کارگر را تریک می گفتند و بسته هایی از آب نبات و شکلات را که بر روی آن آرم نیروی انتظامی و تبلیغ به نفع پلیس 110 بود را بین کارگران تقسیم می کردند گویی که با چند آب نبات و شکلات میتوانند مردم ایران را گول بزنند!!

تا ساعت 10:30 بر روی بیش از 90% صندلی های سالن ، کارگران و دانشجویان نشسته بودند و بقیه در بیرون از سالن بودند.

در محوطه ورزشگاه آزادی ، در بیرون از سالن و در داخل آن پلاکاردهای بزرگی نصب شده بود که به آخوند جنایتکار رفسنجانی خیر مقدم گفته بودند و از شرکت او در تجمع روز کارگر تشکر شده بود و همچنین پلاکاردهای زیادی در حمایت از رفسنجانی و کاندیداتوری او برای انتخابات نصب شده بود. من که این پلاکاردها را دیدم متوجه شدم که قرار است رفسنجانی بیاید و در واقع رژیم می خواهد تجمع روز کارگر را به یک نشست انتخاباتی در حمایت از رفسنجانی جنایتکار تبدیل کند که با هوشیاری کارگران و دانشجویان آگاه به یک اقتضای بزرگ برای ایادی رژیم تبدیل شد. کارگران و دانشجویان قبل از ورود به داخل سالن دقایق زیادی در بیرون از آن تجمع کرده و شعار می دادند. از جمله :

**کارگر ، دانشجو ، معلم اتحاد اتحاد**

**آزادی تشکل حق ماست**

**اعتصاب اعتصاب حق ماست**

**تحریم انتخابات اجرا باید گردد**

**کارگر بیدار است از ذلت بیزار است**

**قرارداد موقت ملغی باید گردد**

**فریاد هر ایرانی آزادی ، آزادی**

همچنین شعارهایی در محکومیت سرمایه داران و پیمانکارانی که در پناه رژیم ، حقوق کارگران را زیر پا می گذارند داده می شد حدود ساعت 10 که جمعیت به تدریج وارد سالن می شد ، به خوبی معلوم بود که جو داخل سالن به نفع رژیم نیست، من هم به همراه تنی چند از کارگران و دانشجویان که در اطرافم بودند شرایط را مساعد دیدیم تا یک سری از شعارها را مطرح کنیم ، شعارهایی از قبیل :

**تحریم انتخابات ، آغاز اعتصابات**

به دلیل حضور نیروهای اطلاعاتی و عوامل رژیم در بین جمعیت، من مرتب جای خودم را عوض می کردم تا نشان گذاری نشوم، ولی هر قسمتی از سالن که می رفتم می دیدم که جو علیه رژیم است و با وجود اینکه رژیم همه نیروهای وابسته به خود و نیز افسران نا آگاه را بسیج کرده بود تا در نقاط مختلف سالن جای دهد و از آنها برای شعار دادن به نفع رژیم استفاده کند، ولی در مجموع این تجمع به یک گردهمایی بزرگ علیه رژیم تبدیل شد . در مراسم



نفع کاندیداتوری رفسنجانی تبلیغ کند و از این جانور درنده یک فرشته نجات بسازد و به خورد کارگران آزاده و آگاه بدهد ولی کارگران و بقیه شرکت کنندگان او را نیز هو کردند و به خودش و رئیس کتفیش رفسنجانی فحش دادند. به این ترتیب مراسمی که ! از طرف ارگان حکومتی خانه کارگر ترتیب داده شده بود و قرار بود تا به یک نشست انتخاباتی برای رفسنجانی تبدیل شود بر سر کارگزاران حکومت آخوندی خراب شد و به رسوایی کشید.

### پیکان شهر

یکشنبه روز جهانی کارگر به درخواست کمیته بیکاران تهران و حومه در شهرک پیکان شهر مراسمی با حضور تعدادی از کارگران بیکار و اخراجی و حضور تعدادی از کارگران شاغل بر گزار شد در این مراسم ابتدا مجری برنامه پس از اعلام و معرفی برنامه ها از حاضرین برای شرکت در این برنامه تشکر نمود ابتدا تعداد زیادی در سالن نبود ولی رفته رفته بر تعداد شرکت کننده ها افزوده شد پس از معرفی بر نامه ها نمایشنامه عباس اقا توسط تعدادی از کارگران اجرا شد که در این میان موقع اجرای قسمتی از نمایش توسط بازیگر تقریباً همگی سالن همراه با بازیگران شعر عمری در کار را همراهی نموده و این امر شور و حالی دیگر به برنامه داده بود پس از اجرای نمایش سخنگوی کمیته بیکاران ضمن شاد باش به خاطر این روز حمایت کمیته را از کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلات مستقل کارگری اعلام نمود و سپس یکی از بی کاران طی مقاله ای مشکلات بی کاران را بر شمرده و اعلام نمود که داشتن کار و خانه ای برای زندگی یکی از خواسته های ابتدایی انسانهاست و اعلام نمود در مملکت ما در حالی که عده زیادی وجود دارند که فراهم نمودن نان خالی برای کودکانشان را نمیتوانند انجام دهند در همین جا هستند کسانی که اقا زاده هایشان برای تفریح خود و دوست دخترهایشان کشتی تفریحی یک میلیاردی خریداری می کنند مدیرانی هستند که فقط هزینه دکوراسیون دفترشان از کل دریافتی کارگران یک کارخانه بیشتر است. در این مراسم تعدادی پلاکارت که حاکی از خواسته های کارگران بود به دیوارها نصب و خود نمایی می کرد که تعدادی از این پلاکارتها بدین شرح بودند بر روی یکی از این پلاکارتها نوشته کار مسکن آزادی به چشم می خورد یا بر روی دیگری نوشته شده بود کار حق طبیعی و ابتدایی ترین خواسته انسانی و بر روی تعدادی دیگر شعارهایی در نفی قرار داد موقت به چشم می خورد.

### تجمع اعتراض آمیز صدها کارگر شرکت "سدسیره" شهرستان دره شهر

نماینده کارگران ایلام ضمن اظهار نگرانی از وضعیت معیشتی کارگران شرکت های مستقر در "سدسیره" در شهرستان دره شهر، اظهار داشت: این کارگران بیش از 6 ماه است که حقوق و دستمزدی دریافت نکرده اند و به همین دلیل دست به تحصن و تجمع اعتراض آمیز زده اند. "علی غیائی" در گفتگو با خبرنگار گروه کارگری ایلام، افزود: کارگران معترض که تعداد آنان به بیش از 700 تن می رسد در محل کار خود دست به تحصن زدند که این اعتصاب همچنان ادامه دارد. وی افزود: کارگران معترض خواهان پرداخت حقوق معوقه خود از سوی مسوولان شرکت هستند.



در هر فرصت که پیش می آمد شعارهای علیه رژیم و سردمدارانش اوج می گرفت. وقتی مزدور کتیفی به نام "صادقی" رئیس شورای اسلامی کار که از عوامل رژیم است تا کارگران را با ادعای حمایت از آنها و تحقق حقوقشان فریب داد! هد و در پس شعارهای به ظاهر تند علیه برخی از مسئولینی که به داد کارگران نمی رسند، خط حمایت از تمامیت رژیم را پیش برد، صحبت از حمایت از کاندیداتوری رفسنجانی جنایتکار کرد، همه او و رفسنجانی را هو کردند و سالن برای چند دقیقه آکنده از شعارهای علیه رفسنجانی بود و او را به عنوان غارتگر بیت المال خطاب می کردند. مزدور حسن صادقی، بعد از صحبت هایی که خوشایند کارگران بود و اینکه اگر مسئولین پاسخ ما را ندهند و به داد کارگران نرسند، اعتصابات را شروع خواهیم کرد و تظاهرات را به داخل خیابان های شهرها خواهیم کشاند، مطرح کرد که الان یکی از ارکان اصلی نظام و سردار بزرگ سازندگی ها در میان ماست که این سخنان را می شنود، برایمان مشخص شد که رفسنجانی آمده و در بیرون سالن است و منتظر این است که جو سالن را تست کند ببیند به نفعش است یا به ضررش تا وارد سالن شود و به نفع خودش در انتخابات تبلیغ کند. وقتی اسم رفسنجانی برده شد و او را! هو کردند، برایش مشخص شد که فعلاً نباید وارد سالن شود و مترصد فرصت بود. بنابراین سعی کردند جو سالن را آرام کنند و چند شعار دلخواه کارگران را از بلندگو پخش کردند و بعد هم یک نمایش به اصلاح ورزشی را برای سرگرم کردن کارگران ترتیب دادند ولی هنوز چند دقیقه بیشتر نگذشته بود که مردم متوجه شدند که رژیم میخواهد سر آنها را گرم کند و با شعارهایی این نمایش مسخره را متوقف کردند و شعار دادند: " ورزش که نان نمیشه و..." و به سمت آنها اشغال پرتاب کردند.

کارگران و دانشجویان که متوجه استفاده رژیم از تجمع آنها برای تبلیغ انتخاباتی رفسنجانی شده بودند، به تدریج سالن را ترک کردند و تا ساعت 11:30 تقریباً دوسوم جمعیت از سالن خارج شدند و بیشتر صندلی ها خالی شد. ولی صادقی مزدور کماکان و ملتسمانه از کارگران می خواست که آرامش خود را حفظ کنند و بگذارند جو سالمی در سالن باشد تا به قول خودش میهمان بسیار گرانقدر بیاید و صحبت کند و وعده می داد که رفسنجانی گوش شنوایی برای خواسته های کارگران دارد و اگر او انتخاب شود وضع بهتر خواهد شد و همه را تشویق به شرکت در انتخابات می کرد ولی در بین جمعیت کمی هم که در سالن باقی مانده بود و با وجود حضور مزدوران رژیم که به آنجا آورده شده بود با موج اعتراضات و هو کشیدن ها و مخالفت های کارگران به جان آمده روبرو شد. من می دیدم که در نزدیکی تریبون که محل استقرار مزدوران از جمله برخی نمایندگان مجلس و وزرای رژیم هم آماده بودند و تعداد زیادی از کارگران به جان آمده با خشم و افروختگی زیاد اعتراض می کنند و شعار می دهند، ولی به دلیل بلند بودن صدای بلندگوهای سالن و عربده هایی که مجری مراسم می کشید نتوانستم شعار های آن عده را متوجه شوم ولی واضح بود که در آن اطراف وضعیت از کنترل مامورین رژیم خارج شده و قادر به آرام کردن کارگران به جان آمده نیستند و واقعا مردم عصبانی بودند و به کارگزاران رژیم و ملاها فحش میدادند. در بیرون سالن یکی از زنان شروع به دادن شعار کرد، من نشنیدم که چه میگوید. ماموران انتظامی به سمت او هجوم بردند در همین بین او به داخل جمعیت رفت و مردم نیز جلو ماموران را گرفتند طوری که او نتواند از مهلکه در برود. نیروهای انتظامی!! ز اینکه وارد جمعیت و مردم بشوند واهمه داشتند و نتوانستند آن زن را دستگیر کنند. در سالن صادقی مزدور در این شرایط دوباره به پشت تریبون آمد و در حالی که پیش از این بطور تلویحی اعلام کرده که رفسنجانی در محوطه حضور دارد و صدای خواسته های کارگران را می شنود، ولی وقتی که دید همه هو میکنند و اگر رفسنجانی بیاید با فحش و فضیحت مواجه میشود، ناشیانه گفت که میهمان گرانقدر ما هر زمان که از مسافرت برسد به جمع ما ملحق می شوند و دقایقی بعد پایان مراسم را اعلام کرد! عوامل رژیم از خشم کارگران حاضر در سالن همگی وحشت زده بودند. هر چند که مزدوران رژیم جرات ورود به جمع مردم را نداشتند ولی در 2 مورد مردم با مزدوران نیروی انتظامی درگیر شدند و حسابی آنها را گوشمالی دادند و بر علیه مزدوران نیروی انتظامی شعارهای تندی میدادند. در این مراسم مزدور دیگری به نام علیرضا محجوب هم آمد تا بعد از عوامفریبی به

## سه دیدگاه پیرامون اقدام رفقای " کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری "

### 1- دیدگاه امیر پیام ( کانادا )

#### یک اشتباه مهم !

است. تازمانی که تناسب قوا تکانه‌های بزرگی به نفع طبقه کارگر نخورد، تشکلات غیرقانونی که بوجود می آیند متاسفانه فراگیر و توده ای و ظرف مبارزه سراسری طبقه کارگر نخواهند شد. اما نبرد برای تحمیل قانونی تشکلات مستقل کارگری به جمهوری اسلامی کاملا از این پتانسیل برخوردار است که تناسب قوا را به نفع طبقه کارگر دگرگون کند.

همانطور که می بینیم تفاوت مهمی بین دو کمیته نیست. در این صورت این سوال بدرستی مطرح می شود که چرا شما یک کمیته و طومار جداگانه را سازمان دادید. حتی اگر بخواهیم بر تفاوت « اول مجوزخواستن یا بعد خواستار رسمیت یافتن شدن» اصرارکنیم این هنوز یک تفاوت جزئی تاکتیکی است. در مبارزه طبقاتی از این اختلافها و تفاوتها به وفور یافت می شود. تمام خاصیت مجمع عمومی در جمع ها و تشکلات کارگری پاسخ گونی به همین اختلافها و تفاوت هاست. اگر قرار باشد از مکانیزم مجمع عمومی سود نجومی و بر سر هر خرده اختلافی خرج خود را جدا کنیم آنگاه چیزی از مبارزه مشترک و جمعی باقی نخواهد ماند. در این مورد شما دچار اشتباه مهمی شده اید. اصولی این بود که در همان «کمیته پیگیری» شرکت می کردید، سازمان یافته هم شرکت می کردید، مسائل و نظرات خود را طرح می نمودید، از مکانیزم مجمع عمومی برای جا انداختن نظرات خود سود می جوستید، برای نماینده شدن و سخنگو شدن کمیته تلاش می کردید، و در کنار سایتهای «آوای کار» و «شورا» سایت خود را ایجاد می کردید و انتقادات و نظرات خود را با سطح وسیعتری درمیان می گذاشتید. در این صورت مطمئن باشیم که عقل جمعی همه دستداران و فعالین متعهد طبقه کارگر حتمی به راه حل بهتری می رسید. برای همه اینها هنوز دیر نیست. هیچوقت دیر نیست. میتوان یک کمیته و یک طومار داشت. این هم اصولی است و هم بهتر است.

#### رفقای عزیز

درمقابل دشمن طبقاتی، بویژه از جنس رژیم اسلامی و خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار، طبقه کارگر هیچ سلاحی بجز اتحاد یکجارچه و مستحکم طبقاتی خود ندارد. ایجاد و گسترش و تحکیم و حفظ این اتحاد یک اصل خدشه ناپذیر طبقاتی و عالی ترین ملاک رادیکالیسم طبقاتی در موقعیت کنونی جنبش کارگری ایران است. این موقعیت را در یابیم. جنبش کارگری ایران علیرغم همه مبارزات بی وقفه اش نحیف تر از آن است که بتواند اینگونه دویاره شدن ها و چند پاره شدن ها را تحمل کند.

مخلص شما - امیر پیام 30 اپریل 2005

### 2- دیدگاه بهمن شفیق ( آلمان )

#### یک تبریک، یک سوال و یک پیشنهاد

به رفقای کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

رفقای عزیز، تشکیل کمیته هماهنگی را به شما تبریک میگویم. امیدوارم اقدام شما نیز به گام موثری در خروج طبقه کارگر ایران از فلاکت کنونی و دستیابی به یک زندگی سعادتمند تبدیل شود. اجازه میخوام به طرح یک سوال بپردازم که در رابطه با اطلاعیه شما اهمیت اساسی دارد. آن تمایز پایه ای که شما را به اقدامی مستقل از "کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری" متقاعد کرده است چیست و آیا این اقدام شما را باید به منزله آرایشی



قرار خواهد داد. حتی اگر چنین تلاشی به موفقیت منجر نشود نیز برای مبارزات آینده درس آموز خواهد بود. روی نیاوردن به این اقدام مشترک و از پیش مردود دانستن آن، خطایی خواهد بود بزرگ.

بهمن شفیق  
29-04-2005 - 9 اردیبهشت 1383

### 3- دیدگاه یدالله خسروشاهی (انگلیسی)

#### "چاره کارگران وحدت و تشکیلات است"

به دوستان کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

دوستان عزیز، فراخوان شما با امضاء بیش از سه هزار نفر جهت ایجاد تشکل مستقل و سراسری کارگری در آستانه ماه مه نوید بخش رهایی طبقه کارگر ایران از وضعیت اسف بار کنونی است.

طی بیش از دو دهه رژیم کارگر کش و ضد انسانی جمهوری اسلامی با مسلط کردن تشکلات ایدئولوژیک و مافیایی خود بر جنبش کارگری، از هرگونه حرکت مستقل کارگران جلوگیری بعمل آورده و خواسته های به حق کارگران را با سرکوب و کشتار جواب داده است. یکی از نمونه های آن کشتار کارگران در خاتون آباد و به دادگاه کشاندن فعالین کارگری شهرستان سفر بخاطر قصد به راهپیمایی در اول ماه مه سال گذشته بود. این رژیم کارگران را در موقعیتی قرار داده که وضعیت آنها از نظر اقتصادی و اجتماعی حتا قابل مقایسه با 40 سال پیش نبوده و یک پس رفت عظیمی را بدنبال داشته است. و همانطور که به درستی ابراز داشته اید، کارگران تنها با تکیه بر نیروی خویش است که قادر خواهند شد بر مشکلات موجود فائق آیند و متحدانه خواسته های خود از جمله برپایی تشکل مستقل کارگری را به رژیم های سرمایه داری تحمیل کنند و سرنوشت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خویش را بدست گیرند و رهایی خود از قید بند نظام سرمایه را جشن بگیرند.

دوستان عزیز کمیته هماهنگی، رمز موفقیت شما در این راه بسیار دشوار و پر پیچ و خم در گرو نفی هرگونه چند دستگی و تفرقه در صفوف کارگران و متحد کردن کلیه آنها با نظرات و دیدگاه های متفاوت سیاسی در زیر چتریک تشکل مستقل، پایدار و سراسری کارگری است. پیروزی نهایی طبقه کارگر بر نظام سرمایه بستگی به وجود یک طبقه کارگر متشکل و متحد در میدان مبارزه دارد که راه رسیدن به هدف مشترکشان از جمله تحمیل هرگونه خواسته ای به سرمایه داران را هموار خواهد کرد.

امیدوارم هرچه زودتر شاهد برپایی تشکلات مستقل و آزاد کارگران از تمامی نهاد های موجود سرمایه داری و غیر کارگری در جامعه باشیم. و در ماه مه سال آینده تحقق این امر بزرگ را جشن بگیریم و صف متحد و مستقل طبقه کارگر را در میدان رزم شاهد باشیم. ضمن تبریک ماه مه به شما و تمامی کارگران جهان، برایتان در گامی که برداشته اید و حرکتی را که شروع کرده اید آرزوی موفقیت کامل داشته و به سهم خود و در حد توان جهت پیشبرد این امر حیاتی و مهم طبقه کارگر ایران از هیچ کوشش دریغ نخواهم ورزید.

یدالله خسروشاهی

با عزمی راسخ، پیش بسوی ایجاد تشکل مستقل کارگری!

11 اردیبهشت 1384

درازمدت در جنبش کارگری ایران به حساب آورد؟ هدف من از طرح این سوال به هیچ وجه اظهار تردید نسبت به حق شما در اعلام این ابتکار نیست. همچنین بر این نظر نیستم که همه فعالین راستین جنبش کارگری برای همه زمانها باید در ظرفی واحد متحد شوند. در بسیاری از کشورها تشکلهای توده ای کارگران بر اساس گرایشات مختلف شکل گرفته اند. با این همه فکر میکنم چنین وضعیتی مطلوبترین پاسخ به اتحاد طبقاتی کارگران نیست. به عنوان یک سوسیالیست معتقدم که پاسخ اولیه هر فعال راستین جنبش کارگری به فقدان تشکل توده ای باید بر ایجاد وسیع ترین اتحاد ممکن متکی باشد. تاریخ جنبش کارگری بین المللی گواه آن است که پیدایش تشکلهای توده ای گرایشی با ضعف سوسیالیستها برای تامین وسیع ترین وحدت در میان طبقه کارگر همراه بوده است. از همین روست که طرح سوال بالا را ضروری دانستم. فکر میکنم تعهد به جنبش طبقه کارگر ما را موظف می کند به مباحثه ای دور از حب و غرض در این باره بپردازیم.

در بیانیته شما فقط یک جمله مورد تاکید قرار گرفته است که شاید بتوان آن را اشاره ای به تمایز اقدامات از اقدام "کمیته پیگیری ..." تعبیر کرد و آن هم تاکید شما بر آن است که نخست تشکل باید ایجاد شود و سپس به رسمیت شناختن آن از دولت خواسته شود. این در حالی است که رفقای کمیته پیگیری در بیانیته خود خواستار رفع موانع ایجاد تشکلهای کارگری از وزارت کار شده اند. شخصا معتقدم که نه موضع آن رفقا ظرفیت لازم برای مبارزه ای وسیع در جهت ایجاد تشکلهای کارگری را دارد و نه موضعی که شما اتخاذ کرده اید. هم شما و هم آن رفقا به این پرداخته اید که جمهوری اسلامی مقاوله نامه های بین المللی سازمان جهانی کار را امضا کرده است. اما هم شما و هم رفقای کمیته پیگیری به این نکته نمی پردازید که مجموعه طویلی از قوانین جمهوری اسلامی، از قانون اساسی تا قانون احزاب و تشکلهای صنفی، در تضاد کامل با حق پایه ای کارگران برای متشکل شدن قرار دارند. هم امروز نیز دولت به اتکای همین قوانین است که به دستگیری و تعقیب و آزار فعالین جنبش کارگری می پردازد. به این اعتبار مبارزه برای تغییر این قوانین از اهمیتی اساسی برخوردار است. اقدام شما، و همچنین اقدام کمیته پیگیری، خواه نا خواه هم شما و هم آن رفقا در تقابل با قوانین جاری کشور قرار خواهد داد و شما را ناچار به مبارزه برای تغییر این قوانین خواهد کرد. مستقل از این که متن بیانیته کمیته پیگیری و بیانیته شما چه تفاوت هایی با یکدیگر داشته باشند، دینامیسم رو به رشد جنبش کارگری برای دستیابی به تشکلهای توده ای خود، همه فعالین راستین این جنبش را با وضعیتی مشابه روبرو خواهد کرد و آن هم سرکوب، و یا حد اقل ممانعت از، این تلاشها به اتکای قوانین جاری کشور است. بنا بر این ضروری است که بر علیه این قوانین مبارزه ای موثر صورت بگیرد. با مسکوت گذاشتن این ضرورت تنها چشم انداز های آتی این مبارزه تضعیف می شود.

به اعتقاد من امروز زمینه ها و ضرورت عمل مشترک فعالین جنبش کارگری بیش از آن است که بتوان از دست زدن به آن خودداری کرد. بر همین اساس نیز به طرح پیشنهادی می پردازم که در عنوان این نوشته به آن اشاره کرده ام و در اینجا روی سخن به رفقای متشکل در هر دو کمیته است. اقدام امروز شما می تواند بر سرنوشت طبقه کارگر ایران تأثیراتی تاریخی بر جای گذارد. مستقل از این که "حامیان" این یا آن کمیته چه می گویند، شما می توانید به طرح استراتژی مشترکی در مبارزه آتی خود بپردازید. پیشنهاد می کنم این امر را نیز در دستور کار خود قرار دهید. تدوین چنین نقشه مشترکی نیروی متحدتری را در مقابل سرمایه و دولت آن

## مبارزه کارگران چینی برای تشکیل سندیکا

از: نشریه کارگران چینی 23 آوریل 2005 - Zeenet

ترجمه: احمد مزارعی

در هفته های اخیر تظاهرات زیادی در شهرهای مختلف چین بر علیه ژاپن انجام گرفت. گزارشات حاکی از آن است که مصدر این اعتراضات و تظاهرات محتویات کتب درسی تازه ای است که در ژاپن بچاپ رسیده و در این کتابها جنایات امپریالیسم ژاپن در جریان جنگ دوم جهانی بر علیه ملت چین نادیده گرفته شده است. غالب این معترضان روشنفکران و دانشجویان چینی بودند، اما در این میان اعتراضی نیز از طرف کارگران شرکت ژاپنی " یونیدن " در شهر " شنزن" در منطقه گواندونگ انجام گرفت که رنگ و بوی دیگری داشت. محتوای اعتراض کارگران این کارخانه نشاندهنده آن بود که ایپان دور تازه ای را در مبارزات کارگری بر علیه شرکت ژاپنی " یونیدن " آغاز کرده اند.

آنان در اعتراض خود خواستار موافقت شرکت مزبور برای تشکیل سندیکاهای کارگری بودند، زیرا تا کنون کارگران از داشتن سندیکا محرومند. این حرکت کارگران چین تاثیر مستقیم و موثری بر سایر کارخانه ها و شرکتها بویژه شرکت غول آسای " وال مارت" خواهد داشت زیرا این شرکت نیز علیرغم موافقت دولت چینبر حق داشتن سندیکا برای کارگران، تاکنون از تأسیس سندیکا بتوسط کارگران ممانعت بعمل آورده است. بدون شک این عمل شرکت " وال مارت" نقض آشکار حقوق طبیعی کارگران مبنی بر داشتن سندیکا است. در شرکت بزرگی که متعلق به " وال مارت" است دوازده هزار نفر کارگر زن که همگی از مناطق دور افتاده چین آورده شده اند مشغول بکارند. آنان به تولید تلفن میپردازند که به بخشهای مختلف وال مارت در سراسر جهان فرستاده میشود. بر طبق گزارش نیویورک تایمز این زنان کارگر روزانه یازده ساعت (سه ساعت اضافه کاری اجباری) بکار میپردازند تا بتوانند حقوقی معادل 58 دلار در هفته دریافت دارند. اعتراضات فعلی در ادامه تظاهرات 29 نوامبر و 10 دسامبر سال 2004 است که آنهم بر علیه شرکتهاى ژاپنی انجام گرفت و امروز، به اعتراضات ملی و کارگری هر دو با هم در هم آمیخته است. انجام گسترده تظاهرات فعلی حتی موجب نگرانی دولت چین را فراهم آورده است، دولت چین ترس آن را دارد که این اعتراضات همچون سالهای 1989 با اعتراضات سیاسی روشنفکران در هم آمیزد. هم اکنون ده هزار نفر از کارگران چینی متعلق به همین شرکت ژاپنی " یونیدن" در منطقه " وویونگ" از تاریخ 17 آوریل 2005 در اعتصاب بسر میبرند، آنان مجدانه میکوشند تا شرکت را وا دارند تا به درخواست آنان مبنی بر تشکیل سندیکا موافقت کند. اینگونه اعتصاب بتوسط کارگران چینی در نوع خود بی نظیر است.

در تاریخ بیستم آوریل 2005 پلیس " ضد شورش" چین برای آرام سازی وضعیت کارخانه وارد عمل شد و بابتستن دروازه کارخانه مانع خروج کارگران زن به خیابانها شده، این عمل پلیس نشانده نگرانی مقامات دولتی چینی را به نمایش میگذارد، آنان از این میترسند که شراره مبارزه ضد ژاپنی به همه کارخانجات و شرکتهاى وابسته سرایت کرده و از کنترل خارج شود. بر اساس گزارشات رسانه های گروهی چین، این پنجمین تظاهرات و اعتصاباتى است که به توسط کارگران این شرکت انجام میگردد. این کارخانه در سال

1987 تأسیس شده است. مخالفت و اعتراض اصلی کارگران برای نداشتن سندیکا است. باید گفت شروع این اعتصاب جدید آنگاه انجام گرفت که مدیریت شرکت در طی صدور بیانیه ای خطاب به کارگران چینی، جمله ای را بکار برده بود که در آن تهدید و اهانت استنباط میشد.

در دسامبر 2004 یکی از مدیران ژاپنی شرکت " یونیدن " تعدادی از کارگران را مورد ضرب و شتم قرار میدهد، این عمل غیر انسانی وی موجب دست از کار کشیدن چند هزار کارگر شرکت می گردد. در ادامه این وضعیت کارگران با ارسال شکوائیه ای به مدیریت کارخانه مطالباتی را در پانزده مورد درخواست می کنند.

تعدادی از این مطالبات بقرار زیر بوده است:

1- براساس توافقنامه مدیریت شرکت در سال 2002 ما درخواست تشکیل سندیکای خود را داریم.

2- ما خواستار آنیم که زنان کارگر در دوران زایمان و روزهای نگهداری فرزند خود حق داشته باشد تا 60% حقوق خود را دریافت کنند. هم اکنون کارگران چین حقوقی را دریافت نمیکند، حتی آنان بهنگام رفتن به مرخصی سالانه نیز حقوقی دریافت نمیدارند.

3- بر طبق قانون کار چین هر آن کس که بمدت دهسال در جایی بکار بپردازد، دیگر نمیتوان او را اخراج کرد، ما خواستار آنیم که قانون مذکور در این شرکت مجری گردد.

4- ماخواستار بهتر شدن کیفیت غذاهای رستوران کارخانه هستیم. اعتصاب سال 2004 موجب آن شد تا شرکت ژاپنی حقوق کارکنان را افزایش داده و با تشکیل سندیکا نیز موافقت نمود، اما مدیر تازه ای بر ای شرکت انتخاب شده که قرار دادهای مدیر قبلی را قبول ندارد، وی بجای قرار دادهای یکساله قبلی خواستار بستن قرار دادهای سه ماهه شده و بسیاری از فعالان کارگری را نیز اخراج نموده است. مدیر تازه حتی در نظر دارد اضافه حقوق قبلی را نیز بنوعی با اضافه کردن ساعات کار بر هم زند.

و سر انجام " قانون اعمال میشود" در خواست کارگران شرکت ژاپنی " یونین" برای داشتن سندیکا منطبق با قوانین کشور چین بود. در حقیقت قانون عمومی سندیکاهای کارگری کشور چین اشعار میدارد که همه کارگاهها، شرکتها و موسساتی که بیش از پنج نفر در استخدام خود دارند موظف به داشتن سندیکا پیش از آنکه شرکت " وال مارت" توافق خود را برای تشکیل سندیکا در زمستان سال گذشته اعلامدارد. دولت چین طی نامه ای بهمه شرکتهاى خارجی از آنان میخواهد که قانون سندیکاهای عمومی چین را باجرا در آورند. اما از همه مهمتر اینکه کنگره ملت در استان " گوانگ دونگ" قانونی محلی را به تصویب میرساند که بموجب آن هر موسسه، یا شرکتی که تا ده نفر و بیشتر در استخدام خود دارند موظف به تشکیل سندیکا هستند و اشعار میدارد که این قانون ازاول نوامبر 2004 لازم الاجرا خواهد بود.

و بدینسان کارگران میتوانند به بخشی از خواسته های خود جامعه عمل بپوشند. **زنده باد اتحاد طبقاتی کارگران!**



## تظاهرات اول ماه مه در شهر لندن

### امید پیوندی



ایرانی همبستگی اول ماه مه در لندن در راهپیمائی حضور داشتند و شعار " از ایجاد تشکل مستقل کارگران ایران حمایت کنید" را با خود حمل می کردند . آنها هم چنین اعلامیه کمیته مذکور را که به انگلیسی ترجمه شده بود بین تظاهر کنندگان پخش نمودند. لازم به ذکر است همزمان با این تظاهرات حرکت دیگری از جانب نیروهای آنارشویست در شهر لندن صورت گرفت .

## برلین در اول ماه مه



هزاران نفر امسال در روز جهانی کارگر از یکی از مناطق مرکزی شهر لندن بطرف میدان ( تالفرگار اسکوی) راهپیمائی کردند. راهپیمایان از اتحادیه های کارگری، نیروهای چپ و مترقی انگلیسی و دیگر کشورها ، جوانان، زنان و گروههای مختلف دیگر از جمله گروههای ضد نژاد پرستی تشکیل شده بودند. بخش قابل توجهی از راهپیمایان را هواداران سازمانهای ترک و کرد کشور ترکیه تشکیل می دادند . در مسیر راهپیمائی تظاهر کنندگان با دادن شعار، پخش اعلامیه، حمل پلاکارد و اجرای موزیک توجه عابری را به خواسته های خود جلب می کردند. شعار پایان اشغال عراق و حمله به سیاستهای سلطه طلبانه آمریکا و بریتانیا یکی از شعارهای اصلی تظاهرات اول ماه مه بود. این حرکت در شرایطی صورت می گرفت که 4 روز بیشتر به انتخابات پارلمانی در بریتانیا باقی نمانده بود و در این روزها حزب حاکم یعنی حزب کارگر زیر فشارهای سیاسی شدیدی قرار دارد. از جمله در همین مقطع بود که روسوانی دیگری به پرونده سیاه تونی بلر در رابطه باحمله به عراق بر ملا شد. طبق آنچه به روزنامه ها درز کرد، 10 روز قبل از حمله به عراق بلند پایه ترین مشاور حقوقی دولت ، دادستان کل لرد گل اسمیت طی گزارش مشروحی مشروعیت حمله به عراق را زیر سنوال برده بود و از جمله خواهان صدور قطعنامه دیگری از جانب شورای امنیت گردیده بود. تونی بلر هیچگاه مشروح این گزارش را به کابینه خود یا به پارلمان عرضه نکرد. همه اینها باعث شد که وی از طرف مردم یا احزاب مخالف مورد حمله قرار گیرد و چندین بار وی را دروغگو خطاب کردند.

روز اول ماه مه راس ساعت 9 صبح بدعوت "کمیته ایرانی همبستگی اول ماه مه 2005" جمعی از ایرانیان مقیم برلین در دروازه ی "برانڈنبورگ" تجمع نمودند و به همراه هزاران نفر در مارش بزرگی شرکت نمودند.

حضور شرکت کنندگان از ملیتهای گوناگون و نیروهای چپ و انقلابی از کشورهای مختلف با پلاکاردها و پرچم های رنگارنگ و شعارهای سیاسی متفاوت یک بار دیگر سنت اول ماه مه را با شکوه بنمایش گذارد و صدای همبستگی بین المللی را در خیابانهای برلین طنین انداخت .

شرکت کننده گان ایرانی با حمل پلاکاردهای متعددی بزبان آلمانی بر خواستههای مبرم کارگران ایران تاکید کرده و توجه ی افکار عمومی را به خواست تشکل مستقل آزاد کارگری ازسوی کارگران ایران جلب نمودند. همچنین در پلاکاردها دفاع از حقوق کودکان ، خواست رفع تبعیضات جنسیتی برزنان ، دفاع از مبارزات کارگران ایران برای امنیت شغلی و دستمزد کافی و خواست محکوم کردن جمهوری اسلامی در مجامع بین المللی به عنوان ناقض حقوق بشر تاکید شده بود. فعالین "گروه پشتیبانی مالی از جنبش کارگری ایران" (برلین) که از فراخوان کمیته ایرانی همبستگی حمایت کرده بودند با شرکت فعال در تظاهرات و پخش اعلامیه بزبان آلمانی موفق شدند مسایل مهمی از جنبش کارگری ایران را بازتاب دهند.

در مسیر راهپیمایی متن اعلامیه گروه پشتیبانی مالی از بلندگوی مرکزی تظاهرات بازها اعلام شد. اعلامیه و تراکت های کمیته ایرانی همبستگی هم بزبانهای آلمانی و انگلیسی در بین نهادها و موسسات کارگری که در محل گرد همایی ها حضور داشتند پخش گردید و با توضیحات شفاهی، توجه تعدادی از فعالین کارگری آلمان به مسایل جنبش کارگری ایران جلب گردید.

در برخی از سخنرانیهای پایان مراسم اول ماه مه در شهر لندن نیز به مسئله انتخابات پرداخته شد. یکی از رهبران اتحادیه های کارگری کلمبیا در سخنرانی خود اعلام کرد در سال 2004 تعداد 94 نفر از فعالین اتحادیه های کارگری در کشورش کشته شده اند و به سیاستهای آمریکا و انگلیس در حمایت از دولت کلمبیا حمله کرد. تونی بن و جرمی کوین نمایندگان پارلمان از جمله حرکات نژاد پرستانه و ضد خارجی را مورد انتقاد قرار دادند. یکی دیگر از سخنرانان از رهبران مقاومت بر علیه جهانی شدن بود. در بین سخنرانیها موزیک اجرا می شد و برنامه موسیقی تحت نام اتحاد بر علیه فاشیسم اجرا می گردید.

نیروهای ایرانی از جمله سازمان های چپ ایران مقیم بریتانیا نیز در تظاهرات روز جهانی کارگر در شهر لندن شرکت کردند. بخشی از نیروهای چپ تحت نام کمیته

## گزارش اول ماه مه (اطریش)

### جمشید

امسال راهپیمایی های اول ماه مه مانند همیشه با اتحادیه کارگری طرفدارحزب سوسیال دمکرات اطریش شروع شد و با احزاب چپ و کمونیست خارجی پایان گرفت. اعضای اتحادیه که حدود صد هزار نفر بودند با حمل پرچم های قرمز کوچک و گل میخک قرمز در دست در رژه اول ماه مه شرکت داشتند. حزب سوسیال دمکرات نیز در مقابل شهرداری تظاهرات ایستاده و سخنرانی داشت. شعار عمده این حزب و اتحادیه طرفدار آن علیه دولت بود و از آن میخواستند که دولت را واگذارد، استعفا دهد و بیش از این سیاست بیکار سازی را ادامه ندهد. حزب سوسیال دمکرات از سال دوهزاره این سوهمراه با حزب سبزها در اپوزیسیون است. به همین دلیل رهبران آن در سخنرانیهای خود بیشتر سعی میکردند از خود رادیکالیسم نشان دهند، بروضعیتی که این دولت بوجود آورده اشاره کنند و با اشاره بر ثروتمند شدن معدود و فقرا کثرت جامعه به بسیج نیرو برای انتخابات آینده بپردازند. حزب سبزها روز قبل را روز بیکاری اعلان کرده بود و بجای اول ماه مه جشن گرفت. آنها روز قبل در جشن خیابانی خود بیشتر طرف صحبت خود را بیکاران قرارداده بودند و برنامه هایی برای رفع بیکاری، دفاع از حقوق کودکان و زنان برگزار کردند.

احزاب و سازمانهای چپ و کمونیست باشعارهایی چون "زنده باد اول ماه مه"، "انقلاب بجای بربریت"، "برای بی طرفی، نه به قانون اساسی اتحادیه اروپا"، "کار بجای جهان گستری سرمایه"، "قانون اساسی اتحادیه اروپا نظامی گری و اقتصاد نئولیبرالی را تقویت میکند". در جشن ها و راه پیمایی های امروز شرکت کردند.

سازمان های ایرانی اپوزیسیون، چپ و کمونیست. هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، هواداران سازمان اکثریت، فعالین جنبش نوین کمونیستی و هواداران چریک های فدای خلق ایران از جمله این سازمانها بودند که با گذاشتن میزکتاب، پخش اعلامیه، با شعار "خجسته باد اول ماه مه"، "مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی، زنده باد سوسیالیسم" و افشاگری علیه جنایات جمهوری اسلامی این روز را گرامی داشتند.

### = تسلیت و همدردی =

با نهایت تأثر و تأسف مطلع شدیم که مادر رفیق رضا (از رفقای سازمان در کانادا) و برادر رفیق جواد (از رفقای سازمان در آلمان) بر اثر بیماری فوت نموده اند. ما ضمن همدردی عمیق با این رفقا، خود را در غم و اندوه آنها شریک میدانیم.

با احترام - هفته نامه راه کارگر

اتحادیه سراسری کارگران آلمان (د.گ.ب) با وجود اینکه امسال در فراخوانی برمسائل مهمی منجمله شرایط کنونی زندگی و کار کارگران آلمان، بیکاری 6 میلیونی و عواقب آن، نابرابری حقوقی مابین زنان و مردان کارگر و احترام به حرمت انسانی کارگران شاغل و بیکار که روز بروز در معرض تهدید ها قرار می گیرند تاکید نموده بود نتوانست بسیج لازم را برای مارش اول ماه مه به انجام برساند و افول تعداد شرکت کنندگان عضو اتحادیه های کارگری آلمان چشمگیر بود بنحوی که در پایان راهپیمایی تنها چند صد نفر شنونده ی سخنران اتحادیه ی کارگری بودند.

علاوه بر این از سوی گروه های سیاسی چپ و نیروهای ضدفاشیست هر ساله مراسم بزرگداشت جداگانه ای در محلات مختلف شهر برگزار می شود. امسال نیز شهر برلین خصوصاً محله ی "کرویس برگ" که طی دوده ی اخیر به قلب جنبش و جوش اول ماه مه تبدیل شده است شاهد مراسم و جشن های کوچک و بزرگ اول ماه مه بود که هزاران نفر را بخود جلب کرده بود. البته امسال راهپیمایی مشهور به "اول ماه مه انقلابی" بنا بر عوامل متعددی برگزار نشد، با این وجود حرکات پراکنده و خودبخودی صورت گرفت و درگیریهایی چشمگیری هم مابین پلیس و تظاهرکنندگان رخ داد. با این وجود 9000 مامور پلیس در حال آماده باش قرار داشتند.

از جمله مراسم برگزار شده بمناسبت اول ماه مه می توان به روز شنبه شب 30 آوریل اشاره نمود که به دعوت گروه پشتیبانی مالی از جنبش کارگری ایران (برلین) مراسمی در محل فعالیت سازمانهای چپ و انقلابی آلمانی برگزار شد.

این مراسم با یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان جنبش کارگری ایران و کارگران به خون خفته خاتون آباد آغاز شد. سپس گزارشی تحلیلی از وقایع جنبش کارگری ایران در یکسال گذشته ایراد گردید. این گزارش ضمن اشاره به نقاط ضعف جنبش کارگری ایران نقاط عطفی را برشمرد که روند رو به رشد جنبش و تشکل یابی آن را خاطر نشان می کردند.

همچنین در این گزارش تحلیلی کوتاه از عوامل موثر در شکل گیری "کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری" و "کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری" بیان شد.

در این مراسم بین حاضرین، گفتگو حول اهداف کمیته و نحوه ی همکاری ها برای جلب حمایت های بین المللی از فعالین و جنبش کارگری ایران صورت گرفت. این مراسم با صرف شام، اجرای موزیک و شادمانی و پایکوبی و دست افشانی و پرداخت کمک مالی به صندوق تا پاسی از شب ادامه یافت. از ابتکارات کمیته تهیه یک "سی دی" موزیک از سرودهای انقلابی ایران بود که روز اول ماه مه نیز برای جمع آوری کمک مالی در بین تظاهرکنندگان اول ماه مه در معرض فروش قرار داده شده بود.

لازم بیاد آوری است که رسانه های محلی منجمله بخش فارسی رادیو "مولتی کولتی" و "سایت ایرانیان برلین" و همچنین تعدادی از دوستان آلمانی هر کدام بنحوی از فعالیت های اول ماه مه حمایت و پشتیبانی نمودند.



گفتگوی کوتاه خسرو شمیرانی (نشریه  
شهروند) با محمد رضا شالگونی

www.shahrvand.com

## پیرامون وقایع خوزستان

محمدرضا شالگونی از رهبران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر): بسیاری از جریانهای فعال صحبت از مسائل ملی را تجزیه طلبی میدانند. اینها شاید نمیخواهند از ملیت نام ببرند، بگویند قومیت، با زبانشان آنها را بنامند و یا به هر شکل دیگر، به هر حال اصل موضوع را نمیتوان دور زد. اصل ماجرا این است که نیمی از جامعه ایران به دلیل فارس نبودن از بسیاری از حقوق فرهنگی و اجتماعی و سیاسی محروم است.

آقای محمدرضا شالگونی درباره رخدادهای خوزستان میگوید: اینکه نامه ای و بخشنامه ای نوشته شده یا نه و جعلی است یا حقیقی، نقش مهمی بازی نمیکند. واقعیت این است که در خوزستان سیاستهایی جاری شده است که به بیکاری وسیع، اعتیاد گسترده و فقر و تباهی در میان اقشار زیرین اجتماع انجامیده است.

خوزستان بیشترین صدمه را در جنگ خورد، اما هنوز با گذشت 15 سال بازسازی نشده است. دیگر اینکه عربهای ایران همواره مورد تبعیض شدید واقع شده اند. ایدئولوژی رسمی حکومت پهلوی و حکومت کنونی، غیر ایرانی شمردن و انکار این بخش از جامعه ایران بوده است. اینها و بسیاری تبعیضات دیگر از این قبیل دلیل اصلی رخدادهای اخیر بودند.

### برخورد حکومت با این وقایع را چگونه مبینید؟

– برخورد حکومت قابل پیش بینی است. آنها ظلم میکنند و زور میگویند و به مجرد برخاستن مردم به اعتراض، دست به سرکوب میزنند و سپس ریشه حرکت های اعتراضی را به خارج و به رسانه های خارجی نسبت میدهند. به نظر من گرچه تمام ملیت هایی که حقوق آنها در نظر گرفته نمیشود مورد تبعیض هستند، اما بلوچها و عربها به شکل ویژه ای مورد فشار و بی حقوقی واقع شده اند. نکته دیگر این که همانها که خود میگویند خارجیا مسبب و محرک هستند، خود با اعمال سرکوبگرانه و افکار تبعیض گرانه شان که ملت را به تنی و ناتنی تقسیم میکنند، تحریک گران و مسبب این نوع اعتراضات هستند. توجه کنیم اعتراض کنندگان از فقیرترین اقشار جامعه بوده اند، پس باید به خواسته های آنها توجه کرد و نمیتوان گفت که اینها عرب هستند و پیگیری نکرد. اتفاقا چون عرب هستند و چون عرب ایرانی هستند و در صورت عدم توجه به خواسته هایشان هویت آنها در سایه قرار میگیرد باید به آنچه میگویند و به حق طلب میکنند توجه داشت.

### درباره ادعای مقامات که اینها تعدادی تجزیه طلب بودند چه میگویند؟

– به نظر من تجزیه طلبی در کار نبوده است، مگر اینکه حکومت بخواهد تجزیه طلب درست کند. تردیدی نیست که در میان اعراب ایرانی همچون سایر ملیت ها اقلیتی تجزیه طلب وجود دارد. اما سرکوب کردن تحت این عنوان جز این که در مورد اکثریت آن ملیت حق کشی کرده و آن را به استیصال بکشاند و جز تقویت اقلیت تجزیه طلب، نتیجه ای در پی نخواهد داشت. علاوه بر اینها با توجه به اینکه جریان تجزیه طلبی میان همه ملیتها وجود دارد، هرگاه به این جریان حق آزادی بیان داده شود تازه مطابق با موازین حقوق بشر و دموکراسی عمل شده است. مگر تجزیه طلبی یک نظر نیست، پس این نظر هم باید آزاد باشد. در عین حال اگر به حق مردم توجه شود یقینا جریان تجزیه طلبی منزوی میشود. البته روشن است که من تجزیه طلبی را تأیید نمیکنم اما از حق ابراز نظر آنان دفاع میکنم.

### نظر شما درباره این تحلیل که نیروهای سیاسی مستقل عمدتا درباره وقایع خوزستان سکوت کردند چیست؟

– دقیقا همینطور است. آقای یوسف عزیزی بنی طرف که اکنون در زندان است، به دقت مطرح کرد که حتی کانون نویسندگان ایران به چنین موضوعی برخورد نکرده است. او میگوید کانون فعالان حقوق بشر خانم شیرین عبادی نیز برخورد شایسته ای نکرده است. البته هر دوی این کانون ها پس از دستگیری آقای بنی طرف بیانیه صادر کردند و خواستار آزادی وی شدند، اما بیشتر برخوردی نشده بود. واقعیت این است که بسیاری از جریانهای فعال در ایران صحبت از مسائل ملی را تجزیه طلبی میدانند. این به نوعی همگامی با سرکوب است، چرا که نادیده گرفتن حقوق نیمی از کشور به هیچ منطقی سازگار نیست. اینها شاید نمیخواهند از ملیت نام ببرند، بگویند قومیت، با زبانشان آنها را بنامند و یا به هر شکل دیگر، به هر حال اصل موضوع را نمیتوان دور زد. اصل ماجرا این است که نیمی از جامعه ایران به دلیل فارس نبودن از بسیاری از حقوق فرهنگی و اجتماعی و سیاسی محروم هستند. اگر این را به وضوح اعلام نکنیم معنی آن سکوت در مقابل سرکوب است و شاخ و دم هم ندارد.



## پاسخ شهاب پرهان به پرسش مجله " آرش " چاپ پاریس شماره 91 مارس - آوریل 2005

پرسش « آرش » : در شرایط حساس کنونی ایران و جهان، نظر شما در باره " نامه سرگشاده به مردم آمریکا" - ابراز مخالفت تعدادی از ایرانیان به همراه روشنفکران خارجی، به حمله نظامی آمریکا به میهنمان - و بیانیه تحلیلی 565 نفر از فعالان سیاسی و دانشجویی ایران " راهکار حتمی و نهائی ، کردن نهادن به رأی و اراده ملی است "، چیست؟ آیا از این نامه و بیانیه حمایت می کنید یا نه؟ چرا؟»

در پاسخ به این سوال که نظرم در باره نامه سرگشاده به مردم آمریکا مبنی بر ابراز نگرانی از حمله نظامی به ایران چیست و آیا از آن حمایت می کنم؟، میل دارم پیش از اصل موضوع، به چند نکته نه چندان کم اهمیت اشاره کنم:

در این نامه، از " کشته و زخمی شدن دهها هزار عراقی " یاد شده است. این رقم خیلی کم تر از فقط کشته شدگان عراقی، بدون احتساب زخمی هاست. طبق آمار ناقص ولی رسمی که چند ماه پیش منتشر شد و بقدری موقتی بود که نه دولت آمریکا و نه دروغترین نخست وزیر انگلستان جرأت تکذیب آن را نکردند، حدوداً تا شش ماه پیش، بیش از صد هزار کشته ی غیر نظامی - و اکثراً از زنان و کودکان - در بیمارستان های عراق شمارش شده بودند.

در این نامه سرگشاده، به خرابی ها و تداوم بی ثباتی و تداوم ناشی از اشغال عراق به وسیله آمریکا اشاره شده ولی این اشغالگری، محکوم نشده است. گوئی که اگر خرابی کم بود و بی ثباتی تداوم نمی یافت، اشغال عراق مسئله ای برای امضا کنندگان نامه نمی بود.

نویسندگان این نامه، با نوشتن این که: " ایرانیان هنوز به خاطر دارند که چگونه آمریکا با عملیات سری خود بر ضد دولت دموکراتیک و انتخابی دکتر مصدق در سال ۱۳۳۲ به آزادی در ایران ضربه ای اساسی وارد آورد "، هرچند قصد تشبیه حکومت فعلی به حکومت مصدق و ادعای وجود آزادی در رژیم اسلام می را نداشته اند، اما چون این موضوع را در قالب دفاع از حق حاکمیت مردم مطرح نکرده اند، نتیجه همان شده است که قصدش را نداشته اند.

در این نامه، از مقایسه مساحت و جمعیت ایران با عراق؛ پیشینه تاریخی چند هزار ساله ایرانیان در مبارزه با اشغالگران خارجی؛ و اهمیتی که تلفات انسانی و اقتصادی حمله نظامی به ایران نسبت به عراق خواهد داشت، بوی نژاد پرستی ضد عرب، و برتری طلبی ناسیونالیسم ایرانی می آید.

اما در رابطه با اصل موضوع که ابراز نگرانی از حمله نظامی مستقیم یا غیر مستقیم به ایران باشد، باید بگویم که احتمال چنین فاجعه ای ، به واکنشی خیلی بیش از ابراز " نگرانی "؛ به مخالفتی قاطع نیاز دارد. بکار بردن این زبان محتاط در قبال چنین خطر دهشتناکی، خود، نگران کننده است، چون نشانه عدم نگرانی ی متناسب با چنین خطری است. این واکنش محتاطانه، یاد آور زبان دیپلماتیک قدرت های امپریالیستی است که بجای مخالفت و محکوم کردن، از نقض حقوق بشر در یک کشور، یا نسل کشی در کشور دیگر، ابراز " نگرانی " می کنند!

حتا اگر در نامه سرگشاده به مردم آمریکا، بجای ابراز نگرانی از حمله نظامی، با آن قاطعانه مخالفت، و تحریکات و تدارکات در این زمینه، شدیداً محکوم شده بود، باز هم جای چیز مهمی در این نامه خالی می بود؛ و آن، دفاع از استقلال کشور و حق حاکمیت مردم است. در این نامه فقط از مداخله نظامی ابراز نگرانی شده است. هرچند که مداخله نظامی بسیار اهمیت دارد و بخصوص در شرائطی که شایعات، تهدیدات و نیز قرآنی از تدارکات برای هجوم نظامی وجود دارد، برجسته کردن آن لازم است، اما نباید به این واقعیت بی توجه بود که در عین حال، ما با گرایشهای خطرناک و ارتجاعی فزاینده ای مواجهیم که ضمن مخالفت با تهاجم نظامی، از این که امپریالیست ها و بخصوص آمریکا برای روی کار آوردن

حکومتی دیگر در ایران دست به کار شوند استقبال، و حتا از آنان برای این مداخله دعوت می کنند.

یک دموکرات نه تنها با مداخله نظامی، بلکه بطور کلی با هر نوع و شکلی از مداخله خارجی برای بردن و آوردن حکومت در ایران باید مخالفت کند. مسئله تنها جنگ و کشتار و ویرانی نیست؛ مسأله فقط خلاص شدن از دست حکومت جبار کنونی هم نیست؛ مسأله اساسی این است که خلاصی از دست این این حکومت، به نحوی صورت بگیرد که حق حاکمیت مردم زیر گرفته نشود. حق حاکمیت مردم یک اصل پایه ای است که چه با جنگ و چه بی جنگ نباید لگد مال شود. معنی حق حاکمیت این است که تعیین حکومت و تغییر آن، تنها از اختیارات خود مردم است. اما امروزه بخشی از اپوزیسیون بورژوازی رژیم، از ترس سازمان یابی جنبش های توده ای برای سرنگون کردن حکومت اسلامی و برپائی حاکمیت مردم، خواهان مداخله امپریالیست ها و بویژه آمریکا هستند و آن را تحت این عنوان که استفاده از کمک و حمایت بین المللی از مبارزات مردم ایران لازم است، توجیه می کنند. من هم معتقدم که می توان از حمایت بین المللی از مبارزات مردم و حتا از فشارهای دول امپریالیستی بر رژیم ایران ( مشروط به آن که جریانات سیاسی و نارضایتی مردم از حکومت را به ابزار مداخله گری امپریالیستی تبدیل نکند) استفاده کرد؛ اما مداخله گری در تغییر رژیم و تعیین آینده سیاسی کشور، با حمایت از مبارزات مردم از زمین تا آسمان فرق دارد و دقیقاً نقض حق حاکمیت مردم، و ضربه زدن به مبارزه آنان در راه آزادی و دموکراسی و به دست گرفتن سرنوشت کشور خودشان است.



بی آن که نظرم این باشد که همه امضا کنندگان این نامه، با اشکال غیر نظامی ی نقض حق حاکمیت و حق تعیین سرنوشت مردم ایران موافق اند، معتقدم که واکنش دفاعی و بسیار ضعیف آنان صرفاً در قبال حمله نظامی، بخصوص در شرائطی که جریانات غیر دموکراتیک در اپوزیسیون بورژوازی رژیم اسلامی، دولت آمریکا را ناجی ملت ها و میسر دموکراسی قلمداد کرده و دست به دامن جورج بوش می شوند، معنی دار است و مخالفت با حمله نظامی، باید با مخالفت با هر گونه و هر شکلی از مداخله گری امپریالیستی در سرنوشت سیاسی کشور و نقض حق حاکمیت مردم توأم باشد.

با این ملاحظات است که من از این نامه سرگشاده، به همین صورتی که هست، حمایت نمی کنم و معتقدم که شایسته نیست که دموکرات های پایبند به حق حاکمیت مردم و استقلال سیاسی کشور، از آن حمایت کنند.

و اما نظرم در رابطه با بیانیه تحلیلی 565 نفر. برخی از حامیان این بیانیه آن را گامی به جلو بعد از فراخوان ملی رفرا ندیم و مکمل آن قلمداد می کنند. من که از جنبه های گوناگون با پروژه موسوم به فراخوان ملی رفرا ندیم مخالف بوده و در گفتارها و نوشته های متعدد تلاش کرده ام دلائل آن را مستدل کنم، معتقدم که " بیانیه تحلیلی " از فراخوان ملی رفرا ندیم یک گام بزرگ به عقب رفته است. این که شش تن از فراخوان دهندگان رفرا ندیم ( آقایان علی افشاری، رضا دلبری، ناصر زرافشان، اکبر عطری، محمد ملکی و عبد الله مؤمنی ) بیانیه تحلیلی را هم امضا کرده اند، دلیلی کافی بر آن نیست که این بیانیه گامی به جلو نسبت به فراخوان رفرا ندیم باشد. نه امضا کنندگان به تنهایی، بلکه اساساً



## پاسخ شهاب برهان ...

خود سند است که باید ملاک داور باشد، هم در تشخیص جلو یا عقب بودن بیانیه تحلیلی از فراخوان رفراندم؛ و هم بخصوص در شناخت نظرات و گرایش‌های کسانی که چنین بیانیه‌ای را امضا، یا از آن حمایت کرده‌اند.

فراخوان ملی رفراندم، پروژه‌ای بود با دو مضمون: از یکسو با حرکت از اصلاح ناپذیری جمهوری اسلامی، فراخوان مجلس مؤسسان برای تدوین قانون اساسی نوین را مطرح کرده، به این ترتیب، عبور از کلیت جمهوری اسلامی را هدف قرار می‌داد؛ و از سوی دیگر، با تلاش برای جا انداختن این باور در میان مردم، که با رفراندم می‌شود از شر جمهوری اسلامی خلاص شد، جنبش‌های مردم را از حرکت و کسب آمادگی در راه سرنوختی جمهوری اسلامی از پائین بر حذر می‌داشت.

بیانیه تحلیلی، بر همان شالوده‌ای استوار است که فراخوان ملی رفراندم بود؛ یعنی بر این اصل " مقدس " و مشترک همه جناح‌های حکومتی و همه فراکسیون‌های اپوزیسیون بورژوازی آن، که جلوی سرنوختی رژیم از پائین توسط جنبش‌های مردم و جایگزینی آن با ارگان‌های حکومتی توده‌های متشکل باید به هر قیمت گرفته شود. اما بر این شالوده، مشترک، بیانیه تحلیلی بر تحلیل سیاسی بکلی متفاوتی مبتنی است و در رابطه با حکومت، قانون اساسی، و اصلاحات، منطقی و مقصودی مخالف با فراخوان رفراندم را به نمایش می‌گذارد.

بیانیه تحلیلی، برخلاف فراخوان رفراندم، از اصلاح ناپذیری جمهوری اسلامی و شکست اصلاحات و نفی کلیت رژیم حرکت نمی‌کند بلکه ادعای نامیده‌ایست صرفاً و منحصرأ علیه " حاکمان انتصابی " و " انحصار قدرت " توسط آنان. تمامی انتقاد " بیانیه " به جمهوری اسلامی، متوجه یک جناح و عبارت از این است که " حاکمیت انتصابی با ناتوانی در شناسایی و دفاع از منافع ملی و حیاتی کشور در برابر جهان خارج و عاجز ماندن از حل مسائل و مشکلات داخلی، شایستگی و صلاحیت مدیریت کشور را ندارد ".

چنین نقدی بر حکومت، مال هشت سال پس از تجربه اصلاحات و جنبش دوم خرداد نیست، بازگشت به انتقادات دوی خردادی‌های هشت سال پیش است. در حالی که در فراخوان ملی رفراندم گفته می‌شد: " تجربه هشت سال گذشته نشان میدهد که با وجود قانون اساسی و ساختار کنونی، امکان اصلاح کشور در هیچ جهتی متصور نیست "، بیانیه تحلیلی کاری به قانون اساسی ندارد و می‌گوید: " تجربه هشت ساله پس از خرداد 1376، نشان داده است که با این ترتیب " [ با انحصار قدرت در دست حاکمان انتصابی ] " اصلاحات مورد نظر مردم امکان پذیر نیست ". بیانیه تحلیلی فقط ساختار حکومتی یعنی انحصار قدرت در دست " حاکمان انتصابی " را مانع اصلاحات می‌داند و نه تنها چیزی در باره قانون اساسی جمهوری اسلامی نمی‌گوید، بلکه حاکمیت انتصابی را در مقابل قانون اساسی قرار می‌دهد و شکیوه می‌کند که با این حاکمیت انتصابی، دیگر نمی‌توان بسوی " حکومت قانون " گام برداشت؛ و خواستار آن می‌شود که " ساختار قدرت حکومت، اداره امور کشور و روابط بین‌المللی آن، بدون سوء استفاده غیر مردمی از قانون اساسی، ... بر پایه اعلامیه جهانی حقوق بشر و ... طراحی شود ". بیانیه تحلیلی، درست مثل اصلاح طلبان حکومتی هشت سال پیش، هنوز هم به دنبال " حکومت قانون " است و این فکر را القا می‌کند که گویا اگر قدرت انحصاری حاکمان انتصابی نبود، با قانون اساسی فعلی می‌شد " بسوی مردم سالاری، دموکراسی، حکومت قانون، حاکمیت ملت، انتخابات آزاد و تفکیک قوای سه گانه متعارف و جمهوری واقعی گام برداشت! " ناکامی پروژه دوم خرداد یا شکست پروژه اصلاحات چه بود؟ شکست تجربی‌ای این نظریه بود که گویا با روش‌های قانونی و منتقدین و یادآوری مفاد قانون اساسی، می‌توان حاکمان تمامیت خواه را به قانون مدار؛ و نهادهای انتصابی را به گردن نهادن به کنترل و نظارت نهادهای انتخابی وادار کرد. تجربه هشت ساله به عموم مردم، به بخش بزرگی از اصلاح طلبان بیرون از حکومت، و حتا به بخشی از خود اصلاح طلبان حکومتی ثابت کرد که چنین انتظاری از صاحبان واقعی قدرت، چیزی جز توهم، و تبلیغ

ظرفیت‌های قانون اساسی، چیزی جز فریب نبوده است. فراخوان ملی رفراندم برای مجلس مؤسسان، صرفنظر از ایرادات اساسی‌ئی که داشت، بر درس گرفتن از توهم اصلاحات در جمهوری اسلامی و ضرورت دور انداختن قانون اساسی آن مبتنی بود. بیانیه تحلیلی، بویژه از این جهت یک گام بزرگ به عقب نسبت به فراخوان رفراندم است که با وجود این تجربه پر هزینه و بی‌حاصل، " راهکار حتمی و نهائی را گردن نهادن به رای و اراده ملی دانسته " است. بیانیه تحلیلی، این " گردن نهادن به رای و اراده ملی " را، " فرصت و راهکار حتمی و نهائی " نام داده است. منظور از این عبارات، به درستی روشن نیست؛ اما به نظر می‌رسد که غرض از فرصت، فرصتی برای حاکمان انتصابی برای اصلاح ساختار حکومت؛ غرض از راهکار حتمی، راهکاری که حتماً باید اتخاذ شود، یا موفقیت حتمی آن؛ و غرض از نهائی، فرصت نهائی برای اصلاح و نجات رژیم باشد. امضای چنین بیانیه‌ای، برای کسانی که فراخوان ملی رفراندم را هم امضا کرده بودند، یک عقبگرد سیاسی، و بازگشت به موضع اصلاح طلبان و استحاله چی هائی است که هنوز برای قانون اساسی رژیم ظرفیتی قائل، و به امکان اصلاحات و " گردن نهادن [حاکمیت انتصابی] به خواست و اراده ملت " امیدوارند.

با خواندن این بیانیه و پیش از آن که چشمم به امضاها بیافتم، از مضمون و جهت بیانیه حدس زدم که آن را جریان‌های هنوز اصلاح طلب و وابسته به حکومت بعنوان یک پدافند، در مقابل فراخوان رفراندم و علیه آن علم کرده‌اند و گمان کردم که امضای امثال حجازیان و جلانی پور و محمد رضا خاتمی و کروبی را در پای آن خواهیم دید؛ ولی امضای شش تن از فراخوان دهندگان و بخشی از حامیان فراخوان رفراندم ملی را در آن دیدم! اگر از اینان پرسیم که چرا چنین سندی را امضا کرده و واپس رفته‌اند، به احتمال زیاد پاسخ دندان شکن این خواهد بود که پرسندگان چنین استوالاتی، بقول آقای ناصر زر افشان، " متولیان گورستانهای متروک و کهنه سیاسی گذشته‌اند و در دنیای دون کیشوتی توهمات خود، گمان می‌کنند باید مبداء نصف النهار تحولات جامعه را از محفل آنها آغاز کنند؛ " و با این گونه پرسش‌ها، خود را " در پشت یک مشت نقدهای ذهنی و کلیشه‌ای پنهان می‌کنند و در پوشش آنها برای انفعال و کنار نشستن خود توجیه می‌تراشند! "

در هر حال، دلیل چنین عقبگردی از سوی شش تن از فراخوان دهندگان و بخشی از حامیان رفراندم مجلس مؤسسان هر چه بوده باشد، کاملاً قابل فهم است که چرا استحاله چی هائی نظیر بابک امیر خسروی، بیژن حکمت، فرخ نگهدار، ملیحه محمدی، و مصطفی مدنی که با سرسختی تمام از امضا و حمایت از فراخوان ملی بخاطر طرح رفراندم و عبور از نظام خود داری کرده بودند، با شور و شغف به استقبال بیانیه تحلیلی هجوم آورده و آن را حلوا حلوا می‌کنند: دلیل اش این است که در این بیانیه، " گردن نهادن به خواست و اراده ملت "، جای " رفراندم " ساختار شکن؛ تدوین " قانون اساسی نوین "؛ و عبور از جمهوری اسلامی به " شکل نظام دلخواه " را گرفته است.

اگر چه این عقبگرد نسبت به فراخوان رفراندم، نکته اصلی بیانیه تحلیلی است، اما ستایشگران آن، سخن گفتن از وضع فلاکت‌آزاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران و راه چاره‌ای را که بیانیه تحلیلی برای آن نشان داده است برجسته می‌کنند و آن را به حساب ارزش و اعتبار آن می‌نویسند. این اوضاع وخیم که در برابر چشم همگان است - و کشف بیانیه نویسان هم نیست - کم و بیش مورد استناد همه فراکسیون‌های بورژوازی در رقابت با صاحبان فعلی قدرت اقتصادی و سیاسی قرار می‌گیرد، تا به مردم بگویند که آخوندهای حاکم، طماع و ناشایست‌اند؛ ولی ما دلسوز و شایسته ایم و اگر ما بیائیم همه چیز درست می‌شود!

از مکتب بر جوانب گوناگون بینش راست و بشدت محافظه کارانه حاکم بر نویسندگان بیانیه در تبیین مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی؛ و نیز مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی ایران؛ و نیز شعارهای ایجابی‌ی میهم و توخالی و عوام پسندی چون " منافع ملی "، " نظام اقتصادی پویا و کارآمد "، " توسعه پایدار "، " رفاه "، " سعادت "، " سربلندی "، " اعتدالی شایسته "، " رسالت تاریخی "، و غیره می‌گذرم؛ و تنها به " تحلیل " بیانیه از علت این همه بحران و نا بسامانی، و به راه چاره‌ای که ارائه می‌دهد اشاره می‌کنم.



## پاسخ شهاب برهان ....

چگونه ممکن است باز هم به گردن گذاشتن حاکمان به خواست و اراده ملی امید ببندد؟!

هدایت مردم به ناکجا آباد، امیدوار کردن آنان به این است که حاکمان انتصابی و صاحبان انحصاری قدرت اقتصادی و سیاسی " به خواست و اراده ملت گردن بگذارند! " هدایت مردم به ناکجا آباد، این ادعاست که گویا همه این مصائبی که بر سر مردم می بارد، فقط از بی لیاقتی و ناشایستگی حاکمان انتصابی است و گویا با جایگزینی حاکمان انتصابی با حاکمان انتخابی و برقراری " شایسته سالاری " بورژوازی، مسائل اقتصادی و اجتماعی مردم حل خواهند شد! هدایت مردم به ناکجا آباد، القای این فکر است که با وجود پارلمان و انتخابات آزاد؛ با پذیرش اعلامیه حقوق بشر و الحاقیه های آن؛ بدون حاکمیت خود مردم؛ بدون یک پیکار همه جانبه با مرد سالاری و قوانین و سنت های ضد زن؛ و بدون ساختاردموکراتیک سیاسی متناسب با یک کشور کثیر الملله، دموکراسی برقرار، و حقوق بشر رعایت خواهد شد! هدایت مردم به ناکجا آباد، این است که گویا با بلند کردن چماق خونین " تمامیت ارضی "؛ بدون به رسمیت شناختن موجودیت ملت های ساکن ایران و با " تیره ها و اقوام " نامیدن شان؛ بدون به رسمیت شناختن حق آنان در تعیین سرنوشت خود و بدون تامین حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنان، " همبستگی ملی " تقویت، و خطر تجزیه از سر ایران دور خواهد شد! هدایت مردم به ناکجا آباد، دلسوزی های مهوع بورژوازی برای قربانیان سرمایه داری و لیبرالیسم اقتصادی نظیر کارگران، بیکاران، جوانان بی آینده، کارتن خوابان، کودکان خیابانی، زنان تن فروش و معتادان و بی سرپناهان، و القای این فکر است که بدون یک جنگ تمام عیارعلیه نفولیبالیسم اقتصادی؛ بدون در افتادن با نظام سرمایه داری و رفتن به سوی سوسیالیسم، پایان دادن به سیه روزی و فقر و محرومیت اکثریت جامعه امکان پذیر خواهد بود!

هدایت مردم به ناکجا آباد، همچنین ترویج این فکر است که گویا دستیابی به " آزادی "، " دموکراسی "؛ به " حقوق بشر "؛ به " رفاه "، " عدالت اجتماعی "، " استقلال "، " حاکمیت ملی "، و شعارهای کلی و بی مالیاتی از این دست که بیانیه تحلیلی ردیف شان کرده است، بدون به میدان آمدن جنبش های توده ای متشکل و سازمان یافته؛ بدون حرکت و اقدام مستقیم و مستقل مردم حول مطالبات اجتماعی و سیاسی شان؛ با منع مردم از آماده شدن برای دفع خشونت دولتی و برحذر داشتن شان از سرنگونی حکومت؛ و تنها با طومارهای امضای " فرهیختگان " و " نخبگان " و " شخصیت " های مخالف " نا آرامی و آشوب "؛ و با درخواست " گردن نهادن حکومت به خواست و اراده ملت "، امکان پذیر است!

گمان می کنم در همین حد روشن کرده باشم که چرا نمی توانم با این بیانیه همراه باشم.



در دستگاه تحلیلی ی بیانیه " تحلیلی "، علت همه مسائل ایران، در کارندانی و سوء مدیریت حاکمان انتصابی خلاصه شده است. گویا بحران اقتصادی، بیکارسازی های میلیونی، افزایش مداوم فاصله طبقاتی، گسترش بی وقفه فقر و فلاکت، اعتیاد، بزهکاری، تن فروشی و غیره، به تنهایی ناشی از سیاست های حکومت اند و هیچ ربطی به اقتصاد سرمایه داری، نظام طبقاتی ی حاکم و جهانی شدن لیبرالی ندارند؛ همچنان که گوئی لگد مال شدن بقول بیانیه، " منافع ملی " ایران در مناسبات خارجی، به تنهایی ناشی از سیاست های تنش آفرین حکومت است و سیاست های امپریالیستی هیچ نقشی در این رابطه ندارد!

بیانیه پس از ارائه آمارهائی در باره بحران های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نابسامانی های سیاسی نتیجه می گیرد: " حاکمیت انتصابی با ناتوانی در شناسائی و دفاع از منافع ملی و حیاتی کشور در برابر جهان خارج و عاجز ماندن از حل مسائل و مشکلات داخلی، شایستگی و صلاحیت مدیریت کشور را ندارد."

شاید بخاطر این " تحلیل " درخشان از علل بحران های مرکب است که به این بیانیه لقب " بیانیه تحلیلی " داده اند!

به دنبال این علت یابی است که بیانیه سنوال چه باید کرد را به پیش می کشد:

" دراین شرایط بحرانی و اوضاع و احوال نابسامان سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، که می رود به استقلال و همبستگی ملی ما آسیب جدی وارد آورد، وظیفه ما چیست و راه بیرون رفت از این بحران ها که متضمن دوام و بقای میهن و خوشبختی و رفاه و سربلندی مردم ما باشد کدام است؟ " و این است پاسخ مشعشعی که بیانیه تحلیلی به این سنوال سرنوشت ساز می دهد: " گردن نهادن به رای و اراده ملی "؛ و درخواست آن که " ساختار قدرت حکومت، اداره امور کشور و روابط بین المللی آن، بدون سوء استفاده غیر مردمی از قانون اساسی، مانند همه کشورهای پیشرفته جهان، بر پایه اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های دوگانه الحاقی و منشور ملل متحد، با توجه به حفظ منافع ملی طراحی شود تا با استقرار مردم سالاری، شایسته سالاری در انتصابات و پذیرش خدمتگذاری عمومی و یک نظام اقتصادی پویا و کارآمد بر پایه تامین عدالت اجتماعی و در راستای توسعه پایدار، میهن و مردم ما از شرایط بحرانی خطرناک موجود توانمندانه رهانی یابند و در راه سعادت و رفاه و اعتلای شایسته با توجه به رسالت تاریخی خود، در تعامل با ملت های جهان گام بردارند!"

خنده آور است که نویسندگان بیانیه با این حال ادعا کرده اند که: " آن قدر تجربه اندوخته ایم که کشور را به ناکجا آبادی دیگر هدایت نکنیم! " کسی که فقط ذره ای تجربه در این هشت ساله از جریان اصلاح طلبی اندوخته و نتیجه انتظار اصلاح طلبان حکومتی از تمامیت خواهان برای گردن نهادن به اصلاح ساختار حکومت و سهمیم کردن اصلاح طلبان در قدرت را دیده باشد - آن هم در شرائطی که اصلاح طلبان، قوای مقننه و اجرائی، توپخانه سنگینی از رسانه ها و مطبوعات و امکانات عظیم دولتی و مالی در اختیار، و جنبش دانشجویی را به همراه داشته، از حمایت فعال دولت ها بهره مند، و از رای اکثریت مردم برخوردار بودند -

## اطلاعیه پایانی

### کمیته ایرانی همبستگی اول ماه مه 2005

کمیته ایرانی همبستگی اول ماه مه 2005 بعد از یک دوره ی فشرده ی تدارک و ارتباط و اقدام مشترک با این اطلاعیه پایان فعالیت ویژه اول ماه مه را اعلام و انرژی فعالین کمیته را جهت توسعه ی جنبش همبستگی با مبارزات کارگران ایران تجدید سازمان میدهد. امسال در خارج از کشور تجربه به انجام رسیده " کمیته ایرانی همبستگی اول ماه مه - ۲۰۰۵ " نشان داد که می توان با گذشتن از سد فرقه گرایی و انفرادی رادیکالیسم قلابی و منفعل ، قدم های نویی را به تجربه کشاند و انرژی بخش قابل توجه ای از نیروهای چپ و سوسیالیسم انقلابی را حول منفعت جنبش کارگری متمرکز و بحرکت مشترک درآورد. ما یکایک شرکت کننده گان در این اقدام مشترک ، این تجربه را مثبت ارزیابی نموده و با پایان کار کمیته ، با توجه به دستاوردهای این همکاری نقاط قوت و ضعف کارخود را بر می شماریم

1 - در پاسخ مشخص به مجموعه رویداد هایی که در متن جنبش کارگری ایران در حال شدن است ما بموقع با حرکت های داخل کشور همراه و هماهنگ بودیم و وظیفه ی خود را کمک به تلاش فعالین کارگری پیشرو بسمت تشکل یابی قرار دادیم . ماهمچنان به مبارزات دوره اخیر " کمیته پیگیری تشکل های مستقل و آزاد کارگری " و " کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری " با مسولیت نگاه می کنیم و با حفظ نظرات خویش در راستای تقویت آن ها گام بر می داریم.

2 - همراهی و همگامی و مشارکت مان در جنبش اول ماه مه امسال ، از ضرورت پاسخ به وحدت عمل داخل کشور برمی خیزد. اتفاق عمل مان نشان داد ، آنهایی که بر عملکرد فرقه های خود تاکید می ورزند ، همواره خود را در انزوا قرار می دهند! تجربه آموخت در هماهنگی و همفکری هراقدامی سنجیده تر و هر تلاشی موثرتر و کارآمدتر خواهد بود.

3 - تجربه همگامی مشترک ما در تجمع : " کمیته ایرانی همبستگی اول ماه مه - ۲۰۰۵ " نشان داد، وحدت در زمینه کارهای عملی حول خواستهها و منافع حیاتی جنبش کارگری راه خود را باز نموده و به پیش می رود، کار و عمل بر هر چه حرف غلبه می نماید. این، سطح جدیدی از همکاری مبتنی بر سنت ها و ارزش های کارگری جنبش ما و یادگاریکی از قدیمی ترین کارگران کمونیست ، زنده یاد آلبرت سهرابیان بود که در تشویق فعالین کارگری به اقدام جمعی نقش بسزایی ایفا نمود و همکاری بخشی از ما با رادیو صدای کارگران رانه تنها ممکن حتی غنا بخشید و به کیفیت برتر از سطح رایج همکاری ها ارتقا داد. آلبرت سرمشق ما بود و خواهد ماند.

4- ما با اینکه از چند لایه ی مختلف طیف چپ در گروه بندی کنونی بودیم ، اقدام مشترک مان، تنها بر اصل اعتماد متقابل فراهم آمد و توانستیم با هم باشیم . از اینرو بر آن تاکید می ورزیم در جنبش طبقاتی جهت برپایی اقدام مشترک ، اصل بر اعتماد تعیین کننده است ! با تکیه بر اعتماد متقابل و اعتماد به نفس برای دخالت گری انقلابی و شرافتمندانه سطح توانایی فعالین جنبش کارگری، ارتقاء و بازدهی کار جمعی دوچندان خواهد شد.

5-- اعلام همبستگی با هم زنجیران خود در سطح جهان در روز ۱۱ اردیبهشت ( اول ماه مه ) ، دفاع از حق تشکل مستقل ، حق اعتصاب و اجتماعات ، اعتراض به میزان دستمزد تعیین شده توسط " شورای عالی کار " و تامین امنیت شغلی متناسب با سطح دستمزد کافی کارگران ، برابری حقوقی فارغ از جنسیت و ممنوعیت بردگی کار کودکان ، دفاع در تعیین سرنوشت خود و برابری زندگی زحمتکشان و همه مزد و حقوق بگیران کشور، وجوه مشترک توافقات فعالین سوسیالیستی بوده که با اصل اعتماد متقابل به کار

مشترک گرد " کمیته ایرانی همبستگی اول ماه مه " دوره هم نشانند تا اول ماه مه امسال را پاس داریم و چنین نیز کردیم!

6 - بر پایه برنامه ریزی های صورت پذیرفته ، در برنامه پالتاکی ، امکان تماس و دعوت از گروهیند بهای مختلف فراهم آمد و خانم مریم خراسانی و آقایان پرویز بابایی ، کاظم فرج الهی و حسن رجب زاده از ایران و خانم سوسن بهار و آقایان یونس پارسا بناب ، مظفر فلاح ، محمد رضا شالگونی ، کامران نیری و بهرام رحمانی از خارج کشور بعنوان سخنرانان در اطاق صحبت داشتند و صدها شرکت کننده در مجموعه این 6 شب ، از سراسر جهان این بحث ها را دنبال کردند. انجام این مباحث و گفتگوی مستقیم ما بین فعالین کارگری و طرفداران جنبش ما علاوه بر اینکه گامی برای فهم و درک متقابل بر سرآماج ها و منافع جنبش کارگری بود همچنین نشان داد که با هوشیاری و احساس مسولیت متقابل می توان از سد سانسور پرید و رابطه ی داخل و خارج کشور را نزدیک تر نمود . همین هم نیز ضرورت بازتعریف نقش فعالین کارگری ایران در خارج از کشور و تجدید آرایش آنرا را به امری مبرم مبدل نموده که مباحث دیگری را زنده و خلاق دامن خواهد زد که لازمه یک جنبش پیشرو و زنده است .

7- کمیته ایرانی همبستگی اول ماه مه علاوه بر صدور اطلاعیه ها و تراکت ها بزبانهای بین المللی و برگزاری یک هفته سمینار بحث حول مسائل کارگری در این دوره ی کوتاه فعالیت اش توانست دهها امکان و نهاد سیاسی و فرهنگی را هماهنگ و به همت مستقیم دست اندرکاران این نهاد ها حرکت متمرکز را سازمان دهد . در این راه ما تنها نبودیم . در جستجوی همراه و همدل وهم صدا بودیم و یافتیم رفقای که صمیمانه شانه زیر بار بخشی از بار و کار این کمیته گرفتند . دست تک تک شان را رقیفانه می فشاریم .

### رفقا و فعالین کارگری!

در برابر آنچه که فوقا بیان داشتیم ، ما به ضعفای این دوره کارمان نیز تا حدی واقفیم و آن اینکه :

-- توانستیم همگام با تقویت ارتباطات داخل کشور، از نظر تقویت روابط بین المللی در سطح مجامع کارگری درست و بموقع عمل کنیم تا امکانات معنوی بیشتری را بسنج نماییم . در این زمینه ، دقت لازم روا نداشتیم و آنرا قابل انتقاد می دانیم.

-- در طول چند هفته کار مشترک مان ، در سطح روابط محلی و منطقه ای به شکل همه جانبه ای امکاناتمان را فعال نکردیم ، و بهاء لازم ندادیم ، ابتکار یاران مان در محلات اصل بود . حال آنکه می توانستیم ، کارها را در سطح وسیع تری هماهنگ کنیم.

-- ما در جمع کردن گروه بندیهای مختلف وسیعتری از نیروهای متناسب به چپ انقلابی ایران ناموفق بودیم . گرچه در مواجهه با موانع موجود، بحد توان خویش از تلاش کوتاهی نکردیم . موانعی که ناشی از عوامل ریشه داری هستند که عارضه ی جنبش سیاسی ماست و بمثابة مانع هراقدام جمعی و متحد واقعی و عملی هنور کارکرد دارند. از جمله ی نموداین عوامل می توان به انحصار طلبی ، مقدم شمردن منافع گروه ، سازمان ، حزب خویش بر منفعت طبقه یا خودی و غیر خودی دانستن دیگران، و اشاعه بدگمانی غرض ورزانه و تصفیه حساب های حقیر سیاسی اشاره نمود . بروز این ویژه گی ها و نمود ها متأسفانه بشدت شایع است . که بی تردید به نسبت رشد و پیشروی جنبش کارگری ایران و بازتروای اجتماعی بیش از پیش سکت های بسته ، از شدت وحدت اش کاسته شده و تا حدی به حاشیه رانده خواهد شد.

در این فرصت یکبار دیگر، از یکایک همراهان و یاران بشمار می که از اقدامات کمیته ، اطلاعات و خواستههای مشترک مان در سطح شهرها و کشورهای چند از جمله: آلمان ( برلین - فرانکفورت - هانوفر - لایپزیک )، آمریکا ( واشنگتن و شمال آمریکا ) ، کانادا ، سوئد ( مالمو - گوتنبرگ - استکهلم - سونسوال ) ، فنلاند ، پاریس ، لندن ، گلاسگو و همکاران خود در گرداندن اطاق پالتاک و مسئولین رادیوها و سایت ها که برای انتشار اطلاعیه های کمیته با ما همراهی کردند ، صمیمانه تشکر می کنیم .

### با امید به پیروزی کارگران

7 مه 2005

## نیم نگاهی به تحرکات ، شعارها و فعالیت‌های اول ماه مه سال ۱۳۸۴

### درس های اول ماه مه امسال ، قدرت کارگران در تشکل آنهاست!

امیرجوهری لنگرودی

7 مه 2005 ( amirjavaheri@yahoo.com )

حضور داشتند. آقای پرویز بابایی ، یکی از سخنگویان با اشاره به تاریخچه اتحادیه کارگران چاپ در صد سال گذشته گفت: "مناسفانه در حال حاضر بعد از گذشت صد سال باید برای احیا و ایجاد سندیکاها مستقل تلاش کنیم." همچنین در این مراسم ، آقای یعقوب مهدیون ، از اعضای قدیمی صنف کفاشان ، با سابقه فعالیت شصت ساله خود با اشاره به کاهش هر روزه حقوق کاری گفت: " مصوبات مجلس در زمینه حذف مقررات کار و وجود کارگران قراردادی، نشانگر وجود آینده‌ای تاریک است."

-- بر پایه گزارشی به گفته یکی از اعضای اصلی سندیکای شرکت واحد ، از ساعت 9 تا 11 صبح نزدیک به هزار نفر از کارگران عضو سندیکای شرکت واحد به وزارت کار و امور اجتماعی مراجعه و با کرمی - معاون وزیر کار - دیدار و گفت‌وگو کرده و خواستار رفع مشکلات خود شدند.

-- روز جهانی کار گر به در خواست کمیته بیکاران تهران و حومه در شهرک پیکان شهر مراسمی با حضور تعدادی از کارگران بی کار و اخراجی و حضور تعدادی از کارگران شاغل بر گذار شد. در این مراسم ، نمایشنامه عباس آقا کار گر ایران ناسیونال ، نوشته زنده یاد سعید سلطان پور توسط تعدادی از کارگران اجرا شد و با استقبال روبرو گردید. در این مراسم سخنگوی کمیته بیکاران طی صحبت خود ، پشتیبانی جمع خود را از اقدام " کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای مستقل کارگری " اعلام نمودند.

-- کمیته کارگری برگزار می نماید مراسم اول ماه مه روز جهانی کارگر شامل : کمیته کارگری تولیدی تهران - کمیته کارگری کارخانه قند میانداوب - کمیته کارگری شرکت جرتقیل - نمایندگان کارگران شرکت صنایع پمپ - کمیته حمایت از کارگران اعتصابی سنندج - کمیته فعالان کارگری کرمانشاه - کمیته کارگران پاره - کمیته های کارگری گیلان - شورای هیئت تحریریه نشریه کارگر پیشرو ، بصورت مشترک قطعنامه ای در 16 ماده صادر کردند که در آن ضمن طرح مطالبات معوقه خویش در ماده 15 و 16 آن آمده است : " جنگ خانمانسوز حربه ای است که نظام سرمایه داری جهانی در جهت پیشبرد سیاست های امپریالیستی خود به کشورهای تحمیل می کند . ما کارگران برافروخته شدن جنگ در منطقه را به نفع سرمایه داران می دانیم و قویا آنرا محکوم می کنیم . " ، " ما از هم طبقه ای های خویش در سراسر جهان دعوت می کنیم تا دوشادوش هم با ایجاد تشکل بین المللی کارگران ، همکاری خویش را در مبارزه متحدانه شان با سرمایه داری یاری دهیم " جدا از این اطلاعیه مشترک ، کمیته کارگری تولیدی تهران - کمیته کارگری کارخانه قند میانداوب - شورای هیئت تحریریه نشریه کارگر پیشرو ، طی اطلاعیه مشترکی از فراخوان " کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری " حمایت خود را اعلام داشته اند .

-- کانون دفاع از حقوق کودکان - جامعه ی حمایت از حقوق زنان - سندیکای کارگران خباز سنندج و حومه با صدور قطعنامه مشترک خواستهای خود را طرح کردند . در بند 10 قطعنامه از لغو اعدام در جامعه ، رعایت حقوق بشر و برسمیت شناختن آزادیهای مدنی و اجتماعی همه مردم جانبداری کرده اند .

-- جدا از تحرکات تهران بزرگ ، تجمعات دیگری از جمله : درسفز سخنرانی محمود صالحی بعنوان یکی از سخنگویان " کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری " با حاضرین صحبت کرد و بیش از پیش به ایجاد تشکل مستقل خارج از خواست دولت و دفاع از سیاستهای اعلام شده جمع خود اشاره داشت که با استقبال حاضرین روبرو گردید.

-- چندین تجمع خیابانی در شهر های سنندج ، بوکان ، کرمانشاه ، تبریز ، اهواز به شکل مستقل برپا گردید که در همه جا کارگران اجتماع کننده به خواستها و مطالبات خود پای فشردند . در اول ماه مه امسال چندین قطعنامه از پس این اجتماعات صادر شد که اغلب آنان به نوعی بر خواستهای مشترک خویش که همانا سازماندهی تشکل مستقل بوده تاکید داشته اند .

در سال 83 ما با اعلام علنی تشکلی روبرو می گردیم که پیگیری پیشینه کار آن نشان می دهد که این تجمع از هماهنگی تشکلهای زیراجمله : " انجمن حمایت از کودکان کار " ، " انجمن اندیشه ی کارگران " ، " انجمن کارگران شورا " ، " انجمن حمایت فرهنگی کارگران (آوای کار)" ، " انجمن موسس سندیکاها " ، " سندیکای کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی " و برخی از اتحادیه

از ماهها و هفته ها پیش ، جنبش کارگری ایران ، فارغ از خانه کارگر و شوراهای عالی کار ، خود را برای ۱۱ اردیبهشت اول ماه مه روز جشن همبستگی جهانی وارد صحنه می ساخت . تشکلهای و فعالین دانشجویی مستقل چپ و " کمیته پیگیری ... " و بعدتر " کمیته هماهنگی برای ایجاد... " ، هر کدام مستقل از تحرکات دولتی فراخوان هایی را پیش کردند که در آن اعتراض و رودررویی با خواسته های چندی از جمله : دفاع از حق تشکل ، اعتراض به تعیین نرخ دستمزد ۱۲۲ هزار و ۵۹۲ تومان تصویبی " شورای عالی کار" در سطح وسیع ، دفاع از حق اعتصاب و برابری جنسی در عرصه کار و محکومیت بردگی کار کودکان ، محکومیت نظام سرمایه داری و پیشبرد سیاستهای امپریالیستی و جنگ طلبی و غیره را دربرابر خود قرار دادند .

وجه مشخصه اول ماه مه امسال ، پیگیری بودن سازماندهندگان این تحرکات در طی روزه های قبل از ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر است که آنها دست به انجام کار شدند. عمده ترین تحرکات انجام پذیرفته شامل :

-- روز جمعه پیش از هزار نفر از کارگران کارخانه های سایپا - ایران خودرو- صنایع آموزشی و پارس خودرو به همراه طیف های مختلفی از فعالین کارگری تهران ، کرج و برخی از شهرستان ها با همراه اعضا خانواده خود با اجرای ترانه خوانی ، بحث و تبادل نظر پیرامون مسایل کارگری دربارشراخویر واقع در جاده چالوس گرد هم آمدند و اول ماه مه را گرمای داشتند .

-- روز شنبه به دعوت فعالین دانشجویی سیمیناری در دانشکده علوم سیاسی برگزار شد که در این میان دو تن از فعالین کارگری به همراه سردبیر نشریه خاک و یک روزنامه نگار به ایراد سخنرانی پرداختند. جدا از سخنرانی ، نمایش فیلم و برپایی نمایش عکس از برنامه های این روز بود .

-- روز اول ماه مه به دعوت " کمیته پیگیری ... " ، تجمعی از فعالین کارگری در سینما فردوسی برگزار شد ، این مراسم تنها یک بزرگداشت و یا جشن نبود بلکه گردهمایی و حرکتی بود در جهت بیان چندین باره مطالبات و خواسته های به حق و نادیده انگاشته شده ی طبقه و سخنرانان حول مسائل گوناگونی با حاضرین به گفتگو نشستند. وجود پلاکاردهایی با مضامین "آزادی حق اعتصاب" ، "افزایش دستمزدها" ، "لغو قرارداد کار موقت" بچشم می آمد. در کنار این مراسم نمایشگاه عکسی به منظور افشای جنایت های پنهان نظام سرمایه داری بر پا شد و قطعنامه ای در 15 ماده صادر گردید.

-- تعاونی فلز کار و میکابیک ، جشنی در جاده ساوه در سالنی برگزار کردند . اینان نیز قطعنامه ای در 15 ماده صادر کنند . -- هیئت موسسان سندیکای کارگران در خیابان کارگر گرد آمدند و حول اعتراض به نرخ تعیین دستمزد و قرارداد های موقت و .... معترض شدند.

-- عصر روز گذشته (یکشنبه) نشست با حضور بیش از دویست نفر اعضای سندیکاها و تشکلهای مختلف در سالن باختر با شعار " خواستار تسریع در تغییرات جدی فصل ششم قانون کار به منظور تامین آزادیهای سندیکایی، اتحادیه‌ای هستیم" برگزار شد. در این نشست ، گروههای گوناگون از جمله : کفاشان، خیاطان، فلزکاران، خرمکار و نورکار، شرکت واحد، خودروسازی، سایپا و ایران خودرو

## نیم نگاهی به تحرکات .....

رانده شدند. برای نمونه آنچه در مطبوعات بازتاب یافته است، تنها از استان سیستان و بلوچستان که از صنایع بزرگ خبری نیست. از مجموع ۲۹ هزار کارگاه تعداد ۲۸ هزار و پانصد کارگاه از شمول قانون کار خارج شدند. این مورد در سطح استان ها و شهرستان های کشور، سرنوشت کارگران در کارگاههای کوچک بهتر از این نیست. و این همه به صف اعتراضات کارگران افزود و ما شاهد تجمعات و اعتراضات کارکنان بخش خدمات بیمارستانی، پرستاران، معلمان و دانشجویان و زنان و اقلیتهای ملی و تحت ستم، بیکاران، بازنشستگان، کارکنان و کارمندان شهرداریها بوده که تمامی مبارزات طول سال ۸۳ را پوشش دادند! از طرفی در سال ۸۳ تمامی مزد و حقوق بگیران سراسری ایران با مسایلی دست بگیران بوده اند که از جنس مسائل کلان و سراسری بوده است. همانگونه که در جبهه مقابل زحمتکشان، سرمایه داران نیز به جهانی شدن و انباشت وسیعتر همه چیز در اشل سراسری نگاه می کنند و به همراه اقتصاددانان طرفدار خویش پروژه ها و طرحهای کلان می ریزند. امری که در طی سال به نامه ها و طرح های متعدد این اقتصاد دانان در دفاع از سیاستهای جهانی سازی و برنامه دولت روبرو بودیم. در برابرین تلاش ها، جبهه مزد و حقوق بگیران نیز، همواره موضوع تورم، گرانی، تامین اجتماعی، مسئله تعیین نرخ دستمزد ماهانه، موضوع طرح تبدیل نیروی انسانی، خصوصی سازی و بیکارسازی های بیرویه همزنجیران خویش، کاهش تعهدات اجتماعی دولت اسلامی بر پایه محدودیت بودجه عمرانی و غیره، حق تشکل و حق اعتصاب و سایر مسائل فی مابین را از مواردی می شمردند که در سطح کارخانه ها و واحدهای تولیدی، کارگاهی بشکل مجزا قابل حل نمی شمردند بلکه پاسخ به تمامی این ضرورت ها را در سازمانیابی و پی ریزی تشکل مستقل سراسری و تعمیق یافتن مبارزه طبقاتی با طرفی سراسری در سطوح کارخانه های صنعتی، تولیدی، کارگاهی و کارمندی و متشکل گشتن نیروی چند میلیونی بیکاران می دیدند. درست در بستر چنین شرایطی است که اول ماه مه روز جهانی کارگزاران رسید ما از یکسوی نظاره گر عکس العمل شایسته و واقعی کارگران، در قبال تحرکات مستقل کارگران بودیم -- آنگونه که به مواردی از اینگونه تحرکات در بالا اشاره داشتیم -- واز سوی دیگر ما شاهد نمایش مسخره و خود افشاگر دولتی خانه کارگر و همراهان آنان در این روز بودیم که با هوشیاری کارگران در مجتمع ورزشی استادیوم ۱۲ هزار نفری، چگونه نمایش انتخاباتی هاشمی رفسنجانی را درهم ریختند و بار دیگر نوکر صفتی و در یوزه گی خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار را درهم شکستند. کارگران در بیرون سالن شعار می دادند: " کار گر - دانشجو اتحاد اتحاد"، " آزادی تشکل حق ماست"، " اعتصاب اعتصاب حق ماست"، " تحریم انتخابات اجرا باید کرد"، " کارگر بیدار است از ذلت بیزار است"، " قرار داد موقت ملغی باید گردد"، " تحریم انتخابات، آغاز اعتصابات"، " فریاد هریارنی، آزادی آزادی" تجلی خواست ها و مطالبات آنان بود.

### چنین حرکت و جسارتی بر همه کارگران مبارک و میمون باد



ILNA Photo:Ahmadreza Shojaei

های کارگری از شهرستان ها و تعدادی از تشکلهای دیگر به همراه تعداد بیشماری از فعالان کارگری دست در دست هم، تشکلی به نام: " کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای آزاد کارگری در ایران" را با چهار (4000) هزار امضاء اعلام داشته اند. آنچه از بیانیه " کمیته پیگیری" برمی آید. این تشکل در اساس در تقابل با تشکل های دولتی موجود از جمله: " خانه کارگر"، " انجمن های اسلامی"، " شوراهای اسلامی" شکل گرفته و اعلام می دارد که خانه کارگر و نهادهای وابسته به آن، تشکلهای کارگری نبوده و کارگران ایران، خود شایسته برخورداری از ابتدای ترین حقوق خود یعنی حق برخورداری از انواع تشکلهای مستقل و آزاد کارگری می باشند و هیچ نهادی از جمله: سازمان جهانی کار (آ- ال - او) نمی تواند در عمل منکر وجودی چنین حقی گردد و آنرا به رسمیت نشناسد. در این رابطه آقای " عظیمزاده" یکی از فعالین کارگری داخل، چگونگی شکل گیری پروسه تجمع مزبور را در گفتگو با سایت "شورا" اینگونه توضیح می دهد: " بدنبال نشست سه جانبه ای که در مورخه 83/7/15 با نظارت سازمان جهانی کار برگزار شد تعدادی از فعالین کارگری با محور خواست آزادی ایجاد تشکلهای کارگری، دست به کار تدارک اعتراضی به این نشست، بوسیله جمع آوری امضا از کارگران شدند. در پروسه تهیه متن نامه اعتراضی و چگونگی جمع آوری امضا بود که ایده ایجاد کمیته ای جهت تعیین بخشی به این حرکت و گسترش دامنه آن مطرح شد. در راستای تحقق این امر مجمع عمومی مؤسس کمیته در مورخه 83/9/19 با شرکت 28 نفر از فعالین کارگری شهرهای مختلف برگزار گردید. در این مجمع متن نامه اعتراضی و تشکیل کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری به اتفاق اکثریت مطلق آرا به تصویب رسید. سپس در مورخه 83/11/9 مجمع عمومی دوم، جهت سروسامان دادن به کار کمیته با شرکت 38 نفر برگزار شد. در این مجمع 7 نفر به عنوان نماینده های کمیته تا مجمع بعدی انتخاب شدند این مجمع وظیفه اطلاع رسانی و ارسال نامه به مراجع تصویب شده کمیته و پیگیری آنها و... را بعهده نمایندگان گذاشت " علیرغم این توضیحات روشنتر، از نگاه ما حرکت و اقدام " کمیته پیگیری" را نمی بایست صرفا واکنشی موردی و عکس العملی در برابر سازش سازمان جهانی کار در برسمیت شناختن خانه کارگر دانست. برعکس، چنانچه چنین سازشی هم اگر صورت نمی گرفت، شرایط و عوامل برای ایجاد کمیته و تشکل یابی مهیا بود. جدا از این درست در آستانه اول ماه مه، ما شاهد اعلام موجودیت ظرف کارگری دیگری با نام: " کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری" و با شعار اولیه: " تشکل کارگری را به نیروی خود ایجاد کنیم" با بیش از سه (3000) هزار امضاء روبرو می گردیم. این دو حرکت با این تعداد امضاء، نشانه پاسخ گویی گرایشات مختلف کارگری، حول سازمان یابی تشکل مستقل کارگریست، که می بایست علیرغم اختلاف در چگونگی راه و مسیر آنان برای دست پیدا کردن به ایجاد تشکل مستقل طبقاتی، مورد پشتیبانی و حمایت گسترده فعالین کارگری چپ و سوسیالیست قرار گیرد. بر ما ست که برای حمایت از مبارزات کارگران در ایران، ضمن پشتیبانی از بیانیه: " کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای آزاد کارگری در ایران" و " کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری" با حفظ انتقادات خود نسبت به هر دو " کمیته" در کنار هزاران هزار کارگری که در داخل کشور این بیانیه ها را امضاء کرده اند، تمامی فعالین جنبش کارگری باورمند به مبارزه طبقاتی، فعالین سازمانها، احزاب و انسانهای آزادیخواه را دعوت کنیم تا به هر وسیله ممکن به مبارزه کارگران ایران در ایجاد تشکلهای مستقل کارگری و در دفاع از حق زندگی شرافتمندانه انسانی شان به اقدامات آنان در عمل یاری رسانند!! موجودیت این دو " کمیته" در کمتر از یکسال کارگری، نشانه این بوده و است، هر اندازه که فشار دولتی به جنبش طبقاتی افزون گردد به همان اندازه مقاومت افزایش می یابد. در طی سال 83 و شروع 84 بمانند سالهای پیش جامعه کاری ایران تحرکات بیشماری را در برابر خانه خرابی خویش از خود بنمایش گذاشت. مثلا اگر در سال ۸۳ در احواقب به اجراء در آوردن مصوبه " شورای عالی کار" مبنی بر خارج کردن کارگاههای کمتر از ۱۰ نفر از شمول قانون کار، میلیون ها کارگر به شرایط بردگی و بیکاری